تجوید و علوم قرآن

**مؤلف:**

**عبدالبدیع صقر**

**مترجم:**

**احمد ارشد ارشاد**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | تجوید و علوم قرآن | | | | |
| **عنوان اصلی:** | التجويد وعلوم القرآن | | | | |
| **تألیف:** | عبدالبدیع صقر | | | | |
| **ترجمه:** | احمد ارشد ارشاد | | | | |
| **موضوع:** | قرآن - ترجمه‌ معانی قرآن | | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | | |
| **تاریخ انتشار:** | شهریور (سنبله) 1396 ه‍ .ش - ذوالحجة 1438 ه‍ .ق | | | | |
| **منبع:** | کتابخانه قلم www.qalamlib.com | | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ قلم دانلود شده است.**  **www.qalamlib.com** | | | | |  |
| **ایمیل:** | | **book@qalamlib.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | | |  | www.qalamlib.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | |  | | |
|  | | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | | |
| **محتوای این کتاب لزوما بیان****گر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.** | | | | | |

**تقدیم:**

به دعوتگران پرتلاش دین حق

به شیر محوان قهرمان عرصه نبرد

به اسپ‌سواران روز و راهبان شب

به توکه:

با ضمیر بیدار و فکر روشن، آگاهانه‌ می‌اندیشی

آگاهانه گام بر میداری و آگاهانه می‌رزمی

و به توکه:

ناآرام شب و روز تکاپو داری تا در جامعة روشنگری

و خادمی واقعی در گسترش فرهنگ اسلامی؛

«نگارنده»

بسم الله الرحمن الرحیم

[پیشگفتار 1](#_Toc487398306)

[مقدمه‌ی مؤلف 7](#_Toc487398307)

[بخش اول: بعضی از علوم قرآن 12](#_Toc487398308)

[آداب تلاوت قرآن کریم 12](#_Toc487398309)

[آدابی که برای شنونده در وقت تلاوت است 13](#_Toc487398310)

[سجده‌های تلاوت 14](#_Toc487398311)

[چگونگی ادای سجده‌های تلاوت 15](#_Toc487398312)

[چگونگی ختم قرآن 15](#_Toc487398313)

[اسلوب تفسیر قرآن 16](#_Toc487398314)

[اما شیوه‌ای صحیح و پسندیده 17](#_Toc487398315)

[اثر قرآن در جهان 18](#_Toc487398316)

[جمع‌آوری و تدوین قرآن 19](#_Toc487398317)

[حکم ثبت آیات قرآن مجید 22](#_Toc487398318)

[آموختن و آموزاندن قرآن 24](#_Toc487398319)

[فضل و برتری قرآن 25](#_Toc487398320)

[برخی از احادیث شریفه 27](#_Toc487398321)

[شیوه‌ی حفظ قرآن 28](#_Toc487398322)

[چگونه قرآن را حفظ کنیم؟ 30](#_Toc487398323)

[بخش دوم: تجوید 32](#_Toc487398324)

[تعریف تجوید 32](#_Toc487398325)

[غرض علم تجوید 32](#_Toc487398326)

[احکام مَدَّ 32](#_Toc487398327)

[تعریف مَدّ 32](#_Toc487398328)

[حروف مد 33](#_Toc487398329)

[اسباب مد 33](#_Toc487398330)

[اولاً: مد طبیعی 33](#_Toc487398331)

[حکم مد طبیعی 33](#_Toc487398332)

[ثانیاً: مد غیر طبیعی 34](#_Toc487398333)

[مد متصل و منفصل 34](#_Toc487398334)

[مد لازم 35](#_Toc487398335)

[مد عارض به سکون 36](#_Toc487398336)

[بخش سوم: احکام نون ساکنه و تنوین 38](#_Toc487398337)

[مقدمه 38](#_Toc487398338)

[اظهار 39](#_Toc487398339)

[ادغام 40](#_Toc487398340)

[اقلاب 42](#_Toc487398341)

[اخفاء (پنهان) 42](#_Toc487398342)

[بخش چهارم: احکام عمومی 45](#_Toc487398343)

[حکم میم ساکنه 45](#_Toc487398344)

[اظهار 45](#_Toc487398345)

[اخفاء با غنه 45](#_Toc487398346)

[ادغام 45](#_Toc487398347)

[حکم راء 46](#_Toc487398348)

[تفخیم (درشت) 46](#_Toc487398349)

[ترقیق (نازک) 46](#_Toc487398350)

[لفظ جلاله 46](#_Toc487398351)

[ادغام عمومی 47](#_Toc487398352)

[لحن 48](#_Toc487398353)

[قلقله 48](#_Toc487398354)

[حکم ابتداء، وقف، وصل 48](#_Toc487398355)

[ابتداء 48](#_Toc487398356)

[وقف 49](#_Toc487398357)

[ابتداء تام 49](#_Toc487398358)

[ابتداء حسن یا کافی 49](#_Toc487398359)

[اما ابتداء قبیح 49](#_Toc487398360)

[وصل 50](#_Toc487398361)

[وقف تام 50](#_Toc487398362)

[وقف حسن 50](#_Toc487398363)

[وقف قبیح 50](#_Toc487398364)

[اصطلاحات وقف و وصل 51](#_Toc487398365)

[غُنَّه 51](#_Toc487398366)

[نطق صحیح آیات قرآنی 52](#_Toc487398367)

[تمرینات بخش چهارم 53](#_Toc487398368)

[بخش پنجم: معلومات عام در بارۀ قرآن 56](#_Toc487398369)

[املای مصحف 56](#_Toc487398370)

[رموز مصحف 57](#_Toc487398371)

[از امثله رموز مصحف 58](#_Toc487398372)

[تقسیمات مصحف 58](#_Toc487398373)

[مکی و مدنی در قرآن 59](#_Toc487398374)

[متشابهات در قرآن 61](#_Toc487398375)

پیشگفتار

﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ﴾ [الإسراء: 9].

«بی‌شک این قرآن، به راهی که آن استوار‌ترین راه‌هاست؛ هدایت می‌کند».

«أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ» (ترمذی).

در سال 1985 م، وزیر مستعمرات وقت بریتانیا «گلادستون» خطاب به رفقایش در حالی که قرآن به دست دارد می‌گوید:

«هرگز چیزی از اهداف بریتانیا در میان مسلمین و اعراب تحقق نخواهد یافت تا که این قرآن در میان‌شان باشد، بیایید اولاً سلطان این کتاب را از آن‌ها بگیریم و سِرّ آن را بیابیم، آن وقت است که همه‌ی سدهای پیشروی ما از هم خواهد پاشید([[1]](#footnote-1)).

در آغاز ظهور اسلام و نزول قرآن، قریش و مشرکین مأمورانی در محیط مسجد و اطراف خانه‌ی پیامبر ج می‌گماردند تا تماس افراد را با پیامبر ج تحت نظر گیرند و از ارتباط افراد با پیامبر ج کاملاً جلوگیری نمایند.

و اگر در ایام حج پیامبر اسلام از آزادی استفاده می‌نمود تا با آهنگ بلند به خواندن قرآن مشغول گردد، آنان سر و صدا به راه می‌انداختند تا زائران خانه‌ی خدا را از شنیدن صدای او بازدارند([[2]](#footnote-2)).

و قرآن کریم اینگونه به بازگویی این موضوع پرداخته است:

﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَسۡمَعُواْ لِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَٱلۡغَوۡاْ فِيهِ لَعَلَّكُمۡ تَغۡلِبُونَ٢٦﴾ [فصلت: 26].

«افراد کافر گفتند (دستور دادند) هیچ‌کس به این قرآن گوش فرا ندهد و (هنگام شنیدن صدای قرآن) هیاهو کنند تا این که آنان پیروز گردند».

\*\*\*

بازداشتن مسلمین از استماع قرآن و رجوع به آن برنامه‌ی تازه‌ای نیست که توسط دشمنان اسلام به اجرا درآورده می‌شود، بلکه در طی قرون متمادی همه‌ی استعمارگران و پیروان باطل همه‌گونه سعی و تلاش خود را در این راه به کار انداخته‌اند.

چرا دشمنان اسلام این گونه در همه‌ی اعصار از قرآن وحشت داشتند؟

و چرا امروز کافران برای دورساختن مسلمین از قرآن و تعالیم نجات‌بخش آن از همه‌ی امکانات و وسایل کار می‌گیرند؟

مسلّم است که هراس دشمن بدلیل تأثیریست که قرآن در میان جوامع اسلامی می‌گذارد و در روح و متن این جامعه، دگرگونی و انقلاب، تحرک و جهش را به ارمغان می‌آورد و شکی نیست که باید برای جلوگیری از نفوذ قرآن در نفوس، و در نتیجه از گسترش این آیین الهی در هراس باشند.

قرآنی که گمراهان را راهبر و برفراز راه هدایت چون مشعل فروزانی پرتوافکنی می‌نماید. برنامه و قانون آسمانی برای انسان، کتاب دعوت و تحرک در حیات مسلمین قرار دارد.

قرآن، موضوعِ انسانِ خلیفه‌ی خدا در زمین است. معجزه‌ی جاودان اسلام که مرزهای زمان و مکان را درهم شکست و بسان مشعل فروزان بر تارک اعصار درخشید، دلیل برهان زنده و گویا بر آسمانی‌بودن آیین اسلام در هر عصر و زمان و آیتی درخشان برحقانیت آیین محمدی است.

قرآن راهنمای انسان به خصلت درست‌تر است. ﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَهۡدِي لِلَّتِي هِيَ أَقۡوَمُ﴾ [الإسراء: 9]. «این قرآن رهنماست به خصلتی که او درست‌تر است» و برای مسلمین شفاء و رحمت است﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [الإسراء: 82] «و فرود می‌آریم از قرآن آنچه شفاء و رحمت هست برای مسلمانان».

و چه سعادتمند و فائز‌اند حَمَلة قرآن و آنان که پیامبر ج چنین به تمجیدشان می‌پردازد:

«أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ» (ترمذی).

«شریف‌ترین امّت من حاملان قرآن‌اند».

باری! اینست راه نجات و رستگاری، راه فلاح و فیروزی، سعادت و نیکبختی، راه نجات انسان و صعود به مدارج عالی انسانیت و پاداش جمیل برای قاری قرآن آنجا که پیامبر ج می‌فرماید:

«مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لا أَقُولُ الم حَرْفٌ وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَامٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ» (البخاری).

«آن که حرفی از کتاب خدا را بخواند او را پاداش (حسنه) است و حسنه به چند برابر خود است. نمی‌گویم الم حرف است، بلکه الف حرف و لام حرف و میم حرف‌اند».

بیایید با رجوع به قرآن و عمل به تعالیم حیات‌بخش آن برای نجات انسان، انسان ظلوم و جهول، رسالت خویش را اداء نماییم و در سایه‌ی التیام بخش قرآن حیات به سر برده و حَمَله‌ی قرآن گردیم، قرآن را بخوانیم، بیاموزیم و بیاموزانیم.

چه خوب فرموده است پیامبر ج:

«اقْرَءُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لِأَصْحَابِهِ» (صحیح البخاری).

چه سعادت‌مند اند آنان که برترین مردم‌اند، چون قرآن را آموخته‌اند و برای دیگران نیز می‌آموزانند.

و چه رستگارند جوامعی که با توسل به قرآن در راه‌رسیدن به مجد و عظمت اسلام گام برمی‌دارند. و چه فائزاند مسلمینی که با خواندن قرآن، شفیع در روز قیامت دارند.

\*\*\*

آن وقت است که می‌شود به مجد و عظمت اسلام دست یافت و جهان را از همه نوع اجحاف و ظلم نجات داد و از سقوط محتوم بشریت جلوگیری نمود.

آن وقت است که دشمنان دیرینه و سوگندخورده‌ی اسلام و قرآن مأیوس خواهند گشت و هرگز خیال تسلط بر مسلمین و به استعمارکشاندن شان را در سر نخواهند پروراند.

و آن وقت است که با پرتوافکنی انوار جاویدانی قرآنی جهان بشریت متبلور و انسان راه هدایت را خواهد پیمود.

و خداوند حافظ قرآن است: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ٩﴾.

پس ای برادر! رسالت ما همانا تطبیق و عمل به تعالیم کلام خدا أ است، برنامه‌ی آسمانی و قانون نجات‌بخش.

چون حسب مقرر، حافظ قرآن ذات خداوندی است و هرگاه دقیقاً بنگریم درمی‌یابیم که هرچه زمانه می‌گذرد محافظه‌ی قرآن زیادتر می‌شود، ولی این مسلمین اند که با گذشت زمانه از تطبیق و عمل به تعالیم آن فاصله می‌گیرند.

جای بس تأسف اینجا است که مسلمین با دوری از قرآن این منهج را مراعات نکرده‌اند و در مرور زمان تطبیق قرآن در میان‌شان ضعیف‌تر می‌گردد([[3]](#footnote-3)).

قرآن را در هرجا می‌بینیم در منازل، در دفاتر و ماشین‌ها، هرکس به گونه‌ای به نگهداری آن می‌پردازد و نزد خود نگه می‌دارد.

\*\*\*

حقا که خداوند هست حافظ قرآن و آنچه که بیشتر جلب توجه می‌نماید اینست که:

«امروز کشورهایی چون آلمان، ژاپن و ایتالیا (که خود دشمنان سرسخت اسلام‌اند) تلاش بر این دارند تا مصحف (قرآن) را در داخل دولت‌شان به شکل جمیل‌تر چاپ و عرضه بدارند، قبل از این که درباره‌ی کتب آسمانی دیگر چنین اقدامی ‌کرده باشند.

این شواهد خود می‌رساند که هراندازه ما از منهج تطبیقی قرآن دور می‌شویم خداوند حفاظت آن را حتی در میان دشمنان قرآن افزون می‌سازد.

فلهذا بر مسلمانان لازم است که تا خود و دیگران را به عمل به تعالیم آسمانی این کتاب الهی دعوت نمایند و برای پیاده‌ساختن و مرعی (رعایت) ‌شمردن این برنامه و قانون جاویدان در حیات عملی خویش کمر همت بندند، تا شود که به قله‌های شامخ سعادت برسند.

\*\*\*

کتاب حاضر راهنمای سودمندی است در مراجعه به قرآن و آشنایی به تعالیم روح‌بخش آن که مؤلف ارجمند با استادی و درایت کامل به رشته‌ی تحریر درآورده است و در واقع دُرهای نایابی را در این صفحات اندک جا داده است.

تأکید ما بر اینست که خواننده‌ی محترم غرض آموختن و آموزاندن قرآن «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» در مطالعه‌ی کتاب‌هایی از همین نوع خود و دیگران را تشویق و رسالت اسلامی خویش را در جامعه ایفاء بدارند، تا باشد که رجوع فرزندان برومند اسلام و جوانان رشید جامعه‌ی اسلامی ما، باب ‌نویی در شناخت تعالیم قرآنی بگشاید.

مؤثرترین شیوه‌ی استفاده از کتاب حاضر مطالعه‌ی دقیق و یا بهتر بگوییم خواندن آن به قسم درسی است. چه رساله‌ی حاضر که حاوی پنج بخش است مطالب سودمندی را پیرامون علوم قرآنی و تاریخ قرآن و همینطور مباحث جالبی را در شیوه‌ی تلاوت کلام الله مجید (علم تجوید) در بر دارد.

و چه بهتر که کتاب‌هایی از همین نوع (علم تجوید، علوم قرآن، تاریخ قرآن، قصص قرآن، امثال قرآن، و...) به عنوان مواد درسی در مدارس برای طلاب تدریس گردد، تا غنای فکری جوانان ما با آشنایی به اینگونه موضوعات از علوم اسلامی افزوده شود.

از خداوند مسألت داریم تا از لطف و عنایت خویش این زحمت ناچیز را قبول فرموده و ما و همه‌ی مسلمین را مشمول رحمت الهی خویش قرار دهد.

آمین

ارشد ارشاد

30 / 8 / 1361 هـ ش

مقدمه‌ی مؤلف

ستایش خدایی را که بر بنده (عبد) و پیامبرش حضرت محمد مصطفی ج قرآن را نازل فرمود و در این کتاب کژی راه نداد و آن را برای مردم هدایت قرار داد و ما را امر فرمود که به کتاب آسمانی‌اش با تلاوت الفاظ آن و فهم معانی و اقامه‌ی حدودش تقرب جوییم.

درود خداوندی بر پیشوای عالم بشریت، ناجی انسان، حضرت محمد ج که قرآن را از خداوند عزوجل به ما رساند و هرگز در آن حرفی از جانب خود افزون نساخت و شکلی از آن را تغییر و دگرگون نکرد و خود از هوی سخن نگفت([[4]](#footnote-4)).

پروردگار راضی باشد از یاران آن حضرت ج که قرآن را در سینه‌ها و در نوشته‌ها حفظ نمودند و حفظ آن برای‌شان از ارواح‌شان معززتر بود و باز همانطوری که خداوند نازل فرموده بود به ما رساندند.

آنگاه که ساحه‌ی اسلام در شهرها و مناطق بسیاری گسترش پیدا کرد با این که مردم آنجا زبان عربی را نمی‌دانستند و نیز در زیر پرچم اسلام اقوامی درآمدند و با زبان قرآن سخن گفتند حال آنکه زبان‌هایشان به حروف قرآن درست نمی‌گردید، از آن وقت بود که لهجه‌ها و اشتباهات در نحوه‌ی قرائت قرآن زیاد شد، دانشمندان و علمای اسلام درین برهه به این پی بردند و از عواقب این پیشآمد هراس بر آن‌ها دست داد و این ترس همانا ترس و هراس از تحریف و تغییر قرآن بود!!

همان بود که برخی از دانشمندان به وضع اصول و قواعدی که صحت نطق به قرآن را تضمین نماید پرداختند و این اصول و قواعد را «علم تجوید» مسمی نمودند.

یقیناً که این قواعد در محافظه بر کتاب خداوندی سودمند واقع گشت تا آنجا که قرآن به ما سالم از تحریف در مرور قرن‌ها و گذشت زمانه‌ها رسید.

صادق است و فرموده‌ی خداوند أ آنجا که می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ٩﴾ [الحجر: 9].

«هرآینه ما فرو فرستادیم قرآن را و هرآیینه ما او را نگه‌بانیم».

به جا است بیان داریم که برخی نیز با سخت‌گیری که درباره‌ی تلاوت قرآن می‌نمایند در این فن مردم را از تلاوت قرآن دور ساخته‌اند و از مبالغه‌ای که کار گرفته‌اند دروازه‌ی‌ آموختن و فهم علم تجوید را بر روی مردم بستند، به نحوی که تألیفات بسیار درین باره نوشتند و شروط و قوانین صعبی را وضع کرده‌اند که حتی نه در قرآن آمده و نه در سنت پیامبر ج است.

تا آنجا که بعضی‌شان نیز گفتند: آگاهی و عالم‌بودن به تجوید حتمی و لازم است.

و برخی‌شان نیز تلاوت را بر آن که اصول تجوید را حفظ نمی‌دارد حرام قرار دادند، البته این تشدید و سخت‌گیری ناجایز و باطل است، زیرا که رسول خدا ج می‌فرماید:

آنکه در قرآن مهارت دارد (به تفسیر قرآن وارد است) در ردیف مردم نیکوکار و مقربین خداوندی حشر می‌شود و آن که قرآن را می‌خواند در حالی که به خاطر فهمیدن آن تلاش و تفحص می‌نماید و حال آنکه بر او سخت و مشکل است او را دو پاداش است([[5]](#footnote-5)).

و خداوند تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ﴾.

«حقا که قرآن را به خاطر فراگرفتن و پندگرفتن آسان و سهل گرداندیم».

پی‌آمد این تشدد و سخت‌گیری این بود که مردم در اثر آن به اوراد و ادعیه روی آوردند و تلاوت قرآن را از ترس غلط‌کردن در تلاوت آن ترک کردند؛ با این که قرائت قرآن قطعاً برترین و عالیترین عبادات است.

از جانب دیگر، واکنش برخی علما همانا الغاء مطلق این فن و بی‌نیازی کلی از علم تجوید بوده است، آن‌ها در این که با اطمینان و خشوع خوانده شود و تکاپویی در آموختن قرآن گردد اکتفا نموده‌اند.

چنانکه در صدر اسلام همینطور بوده است و دیگر این که قیود بسیار و مراعات شروط و قوانین در تلاوت، لابد قاری را از ادراک مفهومی که مقصود کلی است محروم می‌سازد و بلکه تا مرحله‌ای می‌رساند که قرائت قرآن کشانده می‌شود به درجه‌ی تحریف و بازی با کتاب الله أ، ریاکاری و شنواندن به دیگران، همانطوری که در سایر سرودها مروج است که این البته از زمره گناهان کبیره است.

با این که در برهان این دسته دومی ظواهر قانع‌کننده است، اما به جاست که بگوییم نظر به بُعد عهد مردم این عصر با عصری که فصاحت زبان عربی هنوز هم در میان آن مردم محفوظ بود و همچنین به علت بروز تفاوت‌ها و اختلافات روشنی که میان لهجه‌ها در کشورهای اسلامی که لابد متأثر از عوارضی بوده است.

از جمله همجواربودن کشورهای اسلامی با بیگانگان و مستعمره‌بودن برخی مناطق مسلمان‌نشین و همینطور هجرت‌هایی که مسلمانان به دیگر کشورها نمودند.

در همه حال به عقیده‌ی ما فراگرفتن دستورات و قواعد اساسی علم تجوید سودمند و لازم است، به ویژه برای آنان که تازه به تعلیم قرآن شروع می‌نمایند. به شرط این که از تعقید (پیچیده کردن) و مبالغه‌ای که علمای متقدم در این فن، سخت‌گیری و تشدد به کار برده‌اند اجتناب شود.

روی این اساس است که به ارائه و نگارش این رساله اقدام کرده‌ایم و کوشیده‌ایم که معیار واضح و سهلی را در فراگرفتن این نوشتار (تجوید) ارائه کرده باشیم و از آنچه که در ذکر آن ضرورتی احساس نمی‌شود تذکری به عمل نیاورده‌ایم مانند قواعدی که در علم تجوید است:

چون اشمام (غنچه‌کردن دو لب) استفال (پایین) استعلاء (بالا) و همینطور از ذکر مواضع خروج حروف و امثال آن که ضرورتی نبوده است، خودداری کرده‌ایم.

و هدف ما این بود که استفاده‌ی شایانی از این جزوه گردد و کسالت و اشکالی در خواندن برخواننده‌ی محترم پیش نشود.

طوری که مطالعه خواهید فرمود چگونه در این رساله از موضوعاتی که لابد در آموختن این علم برای هر فرد مسلمان ضروری است سخن به میان آمده است.

امید دارم که معلمین و آموزگاران علم تجوید به نکات آتی توجه فرمایند!

اولاً: شاگردان را در این که آموختن تجوید بسیط و سهل است تشویق نمایند، چه این تشویق ذوقی شگرفی را در آن‌ها به وجود آورده است و در آموختن آن سعی زیاد می‌نمایند تا خوب در اداءکردن آن موفق باشند، هرچند که از این قواعد چیزی هم نیاموخته باشند، زیرا علم تجوید همانا راهی است برای بهترنمودن قرائت قرآن توسط هر شخصی است که به بهترساختن تلاوت شدت علاقه دارد.

ثانیاً: نباید طالب را جز به حفظ موضوعات از این قواعد که جداً مهم است وادار نمود. و لازم است که در آموزش و رعایت آن اهتمام زیادتر شود تا به جاآوردن حروف از جای خود بر او عادت شود.

ثالثاً: معلم نباید به مثال‌های وارده‌ی اینجا اکتفا نماید، بلکه باید خود بر قرآن قواعد را تطبیق دهد تا شاگردان در ساحه‌ی وسیعتری از این علم مستفید شوند.

آنگاه که به تدریس این رساله مشغول بودم برخی استادان را دیدم که توان این را دارند شاگردان را به همه‌ی احکام تجوید در چهار بخش نه اضافه‌تر ... عالم گردانند و بعداً باقی دروس عمومی‌شان تمرینات بود که شاگردان را با اشتیاق وافر در فراگرفتن این علم می‌خواند.

از خداوند توفیق همگان را به خیر خواهانیم.

عبدالبدیع صقر

10 / 1 / 1298

بخش اول:  
بعضی از علوم قرآن

آداب تلاوت قرآن کریم

آداب تلاوت برای قاری قرآن

\* وضوء در وقت قرائت قرآن برای قاری قرآن مستحب می‌باشد([[6]](#footnote-6)).

\* نیکو است که قاری قرآن رو به طرف قبله با طرز شایسته در مکان مناسب بنشیند و با خضوع و موشکافی به تلاوت بپردازد حال آنکه قلب و حواسش کاملاً به قرائت متوجه است و نباید در وقت تلاوت به چیزی مشغول گردد و کار عبثی را انجام دهد.

\* قرائت قرآن کریم لازم است خاص به رضای خداوندی و در مقابل قرائت کلام الله مجید از احدی مزدی طلب نشود و مسلمان نباید در اثر این تلاوت نیل به رضای مردم را در سر پروراند و یا با آیات بازی نماید.

\* قاری قرآن باید در وقت تلاوت به همه‌ی مسایل دقیق گردد، مقدار وقت و اندازه‌ی بلندی و یا پستی آواز را به خاطر این که بر شنوند‌گان گران نیاید در نظر داشته باشد، درازی قرائت را تا حدی نماید که باعث ایجاد ملول نشود و همین طور بلندی آواز باعث اذیت دیگران نگردد، به ویژه در وقتی که در زمره‌ی سامعین مریض نیز باشد و یا وقت قرائت موقع تدریس علم و یا در وقت راحت مردم بوده باشد.

\* و باید اوقات و مناسباتی را برای قرائت برگزیند که مردم در آن مراسم آماده و با نشاط باشند؛ تا که خدای ناخواسته از زمره‌ی کسانی نباشد که:

﴿وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَيَبۡغُونَهَا عِوَجًا﴾ [إبراهيم: 3].

«و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند، و کجی (و انحراف) آن راه را می‌خواهند».

\* قطع قرائت قرآن به خاطر چیزی از امور دنیا مکروه است همانطوری که تناول طعام در اثنای قرائت بر قاری مکروه است. به جاست که بیان داریم که قاری قرآن از رد سلام دیگران عفو گردانده شده است زیرا آنچه در نزد او است برتر و افضل از رد سلام است و هرگاه دیگری در آنجا بود که این واجب را (رد سلام) اداء نماید بر آن شخص رد سلام لازم و حتمی است.

\* قاری قرآن هرگاه از اهل علم باشد، بر او لازم است که به تفسیر برخی از آیات قرآنی و توضیح مواضع که از احکام در آیات است برای سامعین بپردازد.

آدابی که برای شنونده در وقت تلاوت است

\* شنونده‌ی قرائت قرآن را لازم است که به استماع قرائت گوش فرا دهد و سکوت اختیار نماید و در وقت قرائت خشوع قلبی اختیار نماید چون دستور خداوندی است که می‌فرماید:

﴿وَإِذَا قُرِئَ ٱلۡقُرۡءَانُ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴾ [الأعراف: 204].

«چون خوانده شود قرآن پس گوش نهید به سوی آن و خاموش باشید تا که به شما رحم کرده شود».

\* شنونده‌ی قرآن نباید در وقت تلاوت عباراتی از نزد خود ارائه دهد و این جائز نیست، چنانکه برخی (الله الله یا شیخ) و یا (اعد اعد) و غیره گویند... زیرا ما در این مرحله نیستیم که احکام و تعلیقات را بر کلام خداوندی ارائه بداریم و هم آنچه که از ما خواسته شده است همانا تدبر و خشوع در وقت استماع و تلاوت است.

\* لازم است که در مجلس قرآن از آشامیدن و خوردن طعام خودداری گردد (البته موارد ضروری استثنا است) چنانکه تدخین و خنده و هرآنچه که وقار مجلس را می‌برد در مجلس قرآن ممنوع است و البته برای معذور انصراف از مجلس قرآن (دون از اعراض قلبی از قرآن) مجاز دانسته شده است.

\* غلبه‌ی حزن و خوف بر شنونده‌ی قرآن کار خوبی بوده است و نیز نباید از خوش‌آوازی قاری قرآن و وجدی که برایش عاید می‌شود کنترل را از دست دهد.

رسول خدا ج می‌فرماید:

این قرآن به حزن نازل شده است – چون آن را می‌خوانید و یا می‌شنوید بگریید، هرگاه توان گریه را نداشتید خود را گریه‌ناک سازید، (یعنی گریه را ظاهر سازید).

سجده‌های تلاوت

در قرآن کریم مواضعی وجود دارد که هرگاه انسان آن را بخواند و یا بشنود، لازم است که در برابر خداوند تعالی به سجده افتد و ادای این سجده توأم با وضو است؛ زیرا در سجده چون نماز، وضو شرط است.

تعداد این سجده‌ها در قرآن کریم (14) است که در حاشیه‌های مصحف (قرآن) علامت‌گذاری گردیده است.

چگونگی ادای سجده‌های تلاوت

آنکه سجده تلاوت را به جا می‌آورد باید رو به قبله نماید و در قلب سجده تلاوت را نیت کند و پس از آن فقط یک سجده نماید و چون سر را از سجده بلند می‌نماید به طرف راست سلام دهد.

مستحب است این دعا گفته شود:

«اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي بِهَا عِنْدَكَ أَجْرًا، وَضَعْ عَنِّي بِهَا وِزْرًا، وَاجْعَلْهَا لِي عِنْدَكَ ذُخْرًا، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَهَا مِنْ عَبْدِكَ دَاوُدَ».

و یا هرآنچه را که از دعاهای سجده می‌خواهد در سجده بگوید.

چگونگی ختم قرآن

خداوند این کتاب را (قرآن) نازل فرمود تا تربیتی دائم برای پیروان این دین باشد و ما را به تلاوت آن در این فرموده‌اش دعوت کرده است.

﴿وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ٩١ وَأَنۡ أَتۡلُوَاْ ٱلۡقُرۡءَانَۖ﴾ [النمل: 91-92].

«و امر کرده شدم که باشم از مسلمانان و این که تلاوت کنم قرآن را».

پیامبر خدا ج فرمود:

قرآن را بخوانید... زیرا خداوند به هر حرفی ده حسنه برایتان پاداش می‌دهد، نمی‌گویم: «الم» فی الجموع یک حرف است، بلکه الفِ تنها، حرف است، لام حرف است و میم حرف است.

بعضی پیشینیان و سلف صالح بودند که قرآن را هرسه روز یک مرتبه ختم می‌کردند و برخی نیز در ده روز یک مرتبه به ختم آن می‌پرداختند، اما دانشمندان اسلامی افضلیت، ختم قرآن را در هر ماه یک مرتبه می‌دانند و اکثر صحابه و تابعین نیز همین کار را می‌کردند که در مدت هر ماه قرآن را ختم می‌نمودند. از پیامبر اکرم روایت شده است که این دعا را می‌خواند:

خداوندا! ما بندگان و فرزندان بندگان و فرزندان کنیزان توایم، اختیار ما در قدرت توست و حکم تو درباره‌ی ما جاری است و قضای تو درباره‌ی ما عادلانه است، به همه‌ی اسمایی که توراست که به آن خود را نامیده‌ای و یا در کتاب خود نازل کرده‌ای و یا احدی از خلق خود را آموزانده‌ای و یا در علم غیب از نزدت به آن آمده است، سوال می‌کنم که قرآن عظیم را بهار دل‌های ما، نور چشم‌های ما، شفای سینه‌های ما، برنده‌ی حزن‌های ما، زداینده‌ی غم‌ها و هموم(اندوه) ما و راهنما و تحرک‌بخش ما به طرف خود و به جنّات نعیم گردانی و ما را در دار سلام همراه آنانی که بر آن‌ها نعمت دادی از پیامبران، صدیقین، شهداء و صالحین درآری.

برحمتك يا أرحم الراحمين

اسلوب تفسیر قرآن

آنگاه که قرآن به واسطه‌ی وحی بر رسول خدا ج نازل می‌شد عرب مباشرتاً آن را می‌فهمیدند و علت همانا فصاحت‌شان در لسان عربی بود و دیگر این که قرآن به لسان آن‌ها نازل شد و چنانچه چیزی بر آن‌ها مشکل می‌آمد آن را از رسول خدا ج سوال می‌کردند و البته آن‌ها اضافه از آنچه که بر آن‌ها ضروری می‌نمود پرسان نمی‌کرد و از همین جا بود که بخش‌هایی از موضوعات قرآن باقی ماند که در این عصر تفسیر آن شناخته نشد.

چون اسلام در شهرهای غیر عربی گسترش یافت، احتیاج به تفسیر قرآن ضرورت مبرم گردید و برخی علمای اسلام به کتاب تفاسیر پیرامون قرآن کریم پرداختند. از همین جا است که تفاسیر زیادی برای ما به میراث مانده است که از آن زمره تفاسیری است که خیلی بزرگ و مطول است و در 30 جلد و یا اضافه‌تر تدوین شده است. و حتی تفاسیر کوچک جیبی نیز تألیف شده است.

بعلاوه به این نکته باید توجه کرد که در برخی از این تفاسیر به مسایل فقه و احکام اهتمام زیادتر شده است و در برخی هم به قواعد و لغت (دستور زبان) و برخی نیز هم در موضوعات سیر و تواریخ و اسباب نزول توجه شده است و همینطور...

و برغم آنچه که در این تفاسیر از معلومات غیر دقیقی از علوم این ازمنه است، با آن هم فی الجمله در فهم معانی قرآن پرارزش و بسیار سودمند است. روی این بیان اختلاف آرای مردم در تفسیر قرآن کریم از همین جا نشأت می‌نماید، چنانچه برخی‌شان بر کلام قدماء اعتماد نمی‌ورزند و از نفس خود غیر از این که به چیزی متقید باشند تفسیر می‌نمایند و مسلم است که این کاری بس خطرناک است، همانطوری که پیامبر خدا ج فرموده است:

«مَنْ قَالَ فِي القُرآنِ بِرأيِهِ، فَلْيَتَبوأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».

«کسی که در قرآن به رأی خود چیزی بگوید، جایگاه خویش را در دوزخ بداند».

و مردمی دیگر نیز وجود دارند که کتاب خداوند را بدون این که به خاطر فهم مفهوم آن تلاش ورزند قرائت می‌نمایند و این نیز درست نیست و غیر صواب است. زیرا خداوند ما را به تدبر و ژرف نگری در قرآن امر فرموده است.

اما شیوه‌ای صحیح و پسندیده

راه بهتر همانا این است که به خاطر فهم معانی قرآن کریم در حالی که از قواعد زبان عربی در مواردی که سهل و روشن است استمداد نماییم و تلاش ورزیم در مواردی که فهم معانی قرآن کریم بر ما صعب و دشوار است به علماء و کتب معتمد تفسیر([[7]](#footnote-7)) مراجعه نماییم و البته نباید در مسایل تفسیر به دیگران از خود فتوی دهیم، جز این که در مرحله و موقف بزرگی از دانش برسیم. از نظر نباید دور داشت که فتوی در مسایل به دیگران، جداً مسئولیت خطیری است.

چنانچه خداوند تعالی در این فرموده‌اش ما را به جد و جهد در فراگرفتن قرآن و به دست‌آوردن معلومات کافی درباره‌ی قرآن و استفاده از کلام خویش فرا خوانده است:

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ٣٢﴾ [القمر: 32].

«آسان ساختیم قرآن را برای پندگرفتن آیا پندگیرنده‌ای است».

اثر قرآن در جهان

معجزه‌ای بزرگ اسلام همانا این کتاب مبین است که حایز ترکیب شگرف، مفاهیم دقیق و اخبار صادقی است. این قرآن از گذشته‌ای دور خبر داد که چیزی با او معارض واقع نشد و این قرآن از وقایع حاضر در همان وقت بیان داشت حال آن که بهترین سیستم، بهترین فرهنگ و بهترین قانون برای دولت بوده است.

این قرآن از آینده و غیب خبر داد حال آنکه هرآنچه را که گفت صدها سال بعد از نزولش تحقق پیدا نمود و با جدیدترین اختراعات نو تطابق یافت.

و همیشه در این کتاب آسمانی شگفتی‌هایی است که دانش جدید به آن نرسیده است و آنانی که به دین اسلام گرویدند و ایمان آوردند از قرآن تأثیر پذیر شدند، طوری که دستور حیات‌شان گشته است و تعالیم قرآنی به نیمی از ساکنین زمین در مدت درازی از قرن‌ها – بر آن‌ها و اولادشان و آنان که بعدشان آمدند – نافذ گردید.

و همانا این قرآن بود، در میان ما عادات و سننی را به وجود آورد که بر وفق آن حرکت می‌کنیم و این قرآن بود که زبان عربی را از ضیاع(ضایع) و نابودی حفظ نمود به نحوی که در بخش بزرگی از عالم برای همه آشنا و پذیرفته شده درآمده است و درگذشت زمان معالم آن نیز از بین نرفت، قسمی که زبان‌های دیگر چون زبان لاتین در اروپا پارچه پارچه شد و از بین رفت و در عوض زبان‌های بسیاری از آن به وجود آمد که برخی زبان برخی دیگر را نمی‌دانند.

و این قرآن بود که خطوط تمدن عرب را ترسیم نمود و پس از آن از عرب، امت‌های دیگر این تمدن را آموختند و نقل کردند.

حقا که قرآن استاد همه‌ی بشر است، خواه مؤمن به قرآن اند و یا غیر مؤمن به آن... با آن که دیده می‌شود که تمدن جدید در مقابل دین اسلام خضوع نمی‌کند، اما اثر قرآن همیشه قوی‌ترین چیز در امنیت و صلح میان مردم و معاملات‌شان و سایر شئون حیاتی آن‌ها است.

جمع‌آوری و تدوین قرآن

پیامبر خدا آنگاه که به رسالت مبعوث شد، خود امّی بود و خواندن و نوشتن نمی‌دانست.

آن حضرت برای نوشتن وحی در آن وقت نویسندگانی را تعیین فرمودند که هرگاه وحی نازل می‌شد، به دستور آن حضرت ج به نوشتن آیات قرآنی می‌پرداختند.

از جمله‌ی کاتبان وحی حضرت علی بن ابی طالب، عثمان بن عفان، معاویه بن ابی سفیان و زید بن ثابت را می‌توان نام برد.

پیامبر خدا نویسندگان وحی را به نوشتن قرآن امر فرمودند تا آنگاه که همه‌ی قرآن نوشته شد و جبرییل ÷ همراه پیامبر ج چندین مرتبه قرآن را بازگردان نمود.

البته به علت عدم وافربودن کاغذ در آن وقت قرآن را بر «استخوان‌ها» و پهلوهای شترها و قطعه‌های جلدها (پوست‌ها) و پوسته‌های درخت خرما و امثال آن می‌نوشتند.

و مسلمان‌ها سوره‌های قرآنی را در چنین چیزهای جدا جدا و کبیر الحجم می‌نگاشتند مثلاً سوره‌ای بقره که مرقوم شده بود جز این که در اتاق بزرگی نگهداری شود، چاره‌ای نبود.

و فراموش نشود که با آن هم بیشترین اعتماد بر حفظ صحابه بود که آیات قرآنی را در سینه‌های شان حفظ کرده بودند.

چون جنگ‌های رده و مسیلمه‌ی کذاب به وقوع پیوست، شمار زیادی از حفاظ قرآن کریم که در آن نبردها شرکت داشتند و فی سبیل الله جهاد می‌نمودند به شهادت رسیدند.

زمان خلافت حضرت ابوبکر س فرا رسیده بود، حضرت عمر بن خطاب س چون این وضع را دید و مشاهده کرد که تعداد زیادی از حفاظ قرآن به شهادت رسیده‌اند، این موضوع را با حضرت ابوبکر صدیق خلیفه‌ی مسلمین در میان گذاشت و چنین گفت:

که وی اشخاصی را به جمع قرآن مکلف سازد تا آنگاه که حضرت ابوبکر صدیق س زید بن ثابت و جماعت دیگر را با وی به این مأموریت ثقیل مکلف فرمود...

آن‌ها در این وقت به این کار عظیم اقدام نمودند و قرآن کریم را در صحیفه‌ای جمع‌آوری کردند و اصحاب کبار به تطبیق آنچه که در سطور و صدور «سینه‌های» حفاظ است پرداختند و به دقت و امانت که در جمع آن شده بود، اجماع کردند که تاریخ مثیلی را به چنین اجماعی نمی‌شناسد.

چون خلافت حضرت عثمان س فرا رسید در آن وقت مردم در لهجات و قرائت آن اختلاف نظر پیدا کردند.

ناگفته نماند که رسول خدا ج برای مسلمین در این که با لهجات مختلف قرائت نمایند اجازه دادند به خاطر تسهیل بر مسلمین و این البته در ابتداء نزول قرآن بود. همانطوری که جبرییل ÷ به آن حضرت ج تعلیم داده بود اهل بصره از قرائت ابی موسی اشعری پیروی می‌کردند، اهل کوفه از قرائت عبدالله بن مسعود، اهل دمشق از قرائت ابی بن کعب و همینطور اهل حمص قرائت مقداد بن اسود را موافق برای خود پذیرفته بودند.

حضرت عثمان س در زمان خلافت خویش حذیفه بن یمان را به توحید این قرائت‌ها در میان مسلمان‌ها به خاطر جلوگیری از اختلاف‌ها که از سبب این ایجاد می‌شد موظف فرمود تا اختلاف مسلمان‌ها چون یهود و نصاری بروز نکند...

در آن وقت مصاحفی را که حضرت ابوبکر س بنابر مشورۀ حضرت عمر س به جمع آن دستور داده بودند و نزد حضرت حفصه بود طلب کردند و تدوین آن را با مقارنت به مصاحفی که در پایتخت دولت اسلامی بود اعاده نمودند و قرائت مصاحف را به زبان قریش توحید ساختند؛ چون زبان قریش همان زبانی بود که قرآن به آن نازل گردید.

بعد از نوشتن چندین مصحف به سوختاندن دیگر مصاحف امر نمودند و از نسخه‌ی جدید نسخه‌هایی برای بلاد توزیع و انتشار دادند.

این همان نسخه‌ای است که به نام مصحف عثمان([[8]](#footnote-8)) و یا مصحف امام مسمی گردیده است.

در عهد عبدالملک بن مروان، حجاج بن یوسف دستور داد که بر حروف مصحف نقطه‌ها و شکل‌هایی بگذارند و بدین ترتیب تلاش‌های مسلمین بعد از آن تداوم یافت تا آنجا که اجزاء، ربع‌ها و سجده‌ها در مصاحف مشخص و منظم گردید و مصحف در شکلی درآمد که هم اکنون در دست است و بی‌گمان محققین و دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان در جهان در این که قرآن همانا اصح کتب در جهان است و در آن تبدیل و تحریفی عاید نشده باشد، اجماع نمودند. چقدر زیبا است فرموده‌ی خداوند:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ٩﴾ [الحجر: 9].

حکم ثبت آیات قرآن مجید

ثبت قرآن کریم بر کاست و نوارهایی که جدیداً رواج یافته است مجاز می‌باشد، به شرط این که با سخن مردم و اغانی خلط نگردد و هم به شرط این که توأم با آن دیگر چیزها پخش نشود و در میان آن نیز دیگر صداها ثبت نگردد و این به خاطر کرامت و بزرگی کلام خداوندی است و نباید چون دیگر صداها به لهو کشانده شود.

خداوند تعالی می‌فرماید:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ٦﴾ [لقمان: 6].

«و از مردم کسی هست که سخنان بیهوده را می‌خرد؛ تا به نادانی (مردم را) از راه خدا گمراه سازد، و آن (آیات) را به ریخشند می‌گیرد، اینان برای‌شان عذاب خوار کننده است».

چنانچه امروز نوارهای زیادی هست که از برخی قاریان قرآن به شکل جدید ثبت شده است و ثبت تمام قرآن در نوارهای مخصوص نیز یافت می‌شود.

البته نخستین ثبت کامل که از قرائت قرآن به ترتیل ارائه شد از مؤلف این کتاب بود، از جانبِ من در وقتی بود که هیچ دولتی در این باره اصلاً نیندیشیده بود و در آن وقت مدیر معارف قطر بودم که نسخه‌ای از آن را در سال 1376 هـ به کتابخانه‌ی ازهر شریف و نسخه‌ای را نیز به کتابخانه معارف قطر (که در 15 حلقه بود) اهداء کردم.

بجاست یادآوری نمایم که برخی از دولت‌های استعماری با همکاری یهود، به طبع «قرآن مختصر» اقدام کرده‌اند که هدف‌شان از این عمل تحریف اسلام و حذف آیاتی است که در آن ذکر جهاد و ذم یهود آمده است.

کشور امارات متحده عربی در مسابقه‌ای که میان قراء قرآن (البته بر اسلوب ترتیل) برگزار نمود، محمود خلیل الحصری در آن مسابقه موفق شد و اولین مجموعه از نوارهای قرآن به سبک ترتیل سال 1389 هـ (تعداد آن 44 نوار بود) صادر شد که به همه‌ی گوشه‌های جهان ارسال گردید، البته برخی اهدایی و عده‌ای هم در بدل با قیمت بود.

با این اقدام بود که این توطئه و نقشه‌ی خبیث خنثی شد و خداوند کتابش را از تحریف حفظ فرمود.

حقا که تلاوت مرتله در نفس خشوع را برمی‌انگیزاند و اثرات اخلاص از آن نمودار است، گذشته از این که قرائت آن از اشتباهات عاری بوده است و ریا را با خود ندارد.

آموختن و آموزاندن قرآن

فراگرفتن و تعلیم قرآن در این حیات از برترین و عالیترین اعمال است، چون تعلیم قرآن است که خردهای خلق را مباشرتاً با نور خداوندی منور می‌گرداند...

و از همین‌جا است که پیامبر خدا ج می‌فرماید:

«خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ القُرْآنَ وَعَلَّمَهُ».

«بهترین شما کسانی اند که قرآن یاد گرفته‌اند و به دیگران نیز یاد می‌دهند».

البته شایسته‌تر این است که تعلیم قرآن افتخاری و مجانی خاص برای رضای خداوندی باشد و در مقابل آن مزدی گرفته نشود.

و همین طور زیبنده است اعمالی دیگر که منوط به عبادات است چون تعلیم دین، اذان، امامت، وعظ، امر به معروف و نهی از منکر، تجهیز مرده، حمل و دفن مرده رایگان و افتخاری باشد.

اما برخی علماء نیز گفتند، برای شخص که جز این وظیفه، دیگر مصروفیتی ندارد مجاز است از بودجه‌ی دولت به اندازه‌ای که در پیشبرد زندگی آن کافی باشد بگیرد، البته به شرط این که از مردم چیزی نگیرد و آیات کلام خداوندی را با ثمن نفروشد.

آنچه که مایه تأسف می‌نمایاند این است که بیشتر دولت‌های اسلامی در رعایت این شئون کوتاهی کرده‌اند، مردمی که به این اعمال قیام نموده‌اند در ضروریات زندگی محتاج شدند، فقر و پریشانی عاید حال‌شان گردید و موقف‌شان در نظر بسیاری از مردم پایین آمد.

اما علی‌رغم بی‌تفاوتی آن‌ها بر ما واجب است که حق اهل قرآن و آنانی را که به این کار قیام می‌نمایند بشناسیم و آن‌ها را یاری و مساعدت کنیم.

چون با این اقدام می‌شود عزت‌شان به خاطر کرامت دین بلند و مکرم گردد.

باری: مسلّم است که تعلیم قرآن و علوم شرعیه همانا عالی‌ترین عمل در این حیات است و آنچه در نزد خداوند است خیر و پایدار می‌باشد.

در ترتیب تلاوت قرآن این که از سوره‌ی بقره تا سوره‌ی ناس بر ترتیب مصحف خوانده شود افضل است، اما در تعلیم اگر از آخر مصحف به طرف اول آن شروع شود علماء و دانشمندان اسلام نیکو دانسته‌اند.

فضل و برتری قرآن

قرآن کلام خداوندی است که پروردگار ﻷ بر پیامبرش حضرت محمد ÷ وحی فرموده است، معجزه‌ی خالد و جاویدان در صدق دعوت آن حضرت ج و برهان قوی در اقناع مردم...

این کلام خداوندی در مرور زمان و ایام، دستور جاویدانی بوده است که برای تنظیم شئون زندگی در همه‌ی اعصار و در همه‌ی جاها صالح است.

شگفتی‌های آن پایان نپذیرفته و از کثرت دست گشتن از هم نپاشیده است و در قرآن کریم آیات بسیاری است که پروردگار عزوجل ما را به تدبر در مفاهیم آن تحریض(تشویق) و ترغیب نموده است.

الآیات:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَتۡلُونَ كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَأَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُواْ مِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ سِرّٗا وَعَلَانِيَةٗ يَرۡجُونَ تِجَٰرَةٗ لَّن تَبُورَ٢٩﴾ [فاطر: 29].

«بی‌گمان کسانی که کلام خدا را تلاوت می‌کنند و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم؛ پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی (پر سود) که هرگز زیان (و کساد) ندارد؛ امید دارند».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَأُمِرۡتُ أَنۡ أَكُونَ مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ٩١ وَأَنۡ أَتۡلُوَاْ ٱلۡقُرۡءَانَۖ﴾ [النمل: 91-92].

«امر کرده شدم از جمله مسلمان‌ها باشم و این که بخوانم قرآن را».

و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿وَٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِمۡ لَمۡ يَخِرُّواْ عَلَيۡهَا صُمّٗا وَعُمۡيَانٗا٧٣﴾ [الفرقان: 73].

«و کسانی‌که چون به آیات پروردگارشان پند داده شدند، کر و کور بر روی آن نمی‌افتند».

﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ﴾ [العنكبوت: 45].

«بخوان (ای محمد ج) آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو از کتاب و برپادار نماز را».

و خداوند أ فرمود:

﴿إِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُ ٱلرَّحۡمَٰنِ خَرُّواْۤ سُجَّدٗاۤ وَبُكِيّٗا۩٥٨﴾ [مريم: 58].

«چون آیات (خداوند) رحمان بر آنها تلاوت می‌شد، سجده کنان و گریان (به خاک) می‌افتادند».

و خداوند عزوجل فرمود:

﴿ٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَتۡلُونَهُۥ حَقَّ تِلَاوَتِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۗ وَمَن يَكۡفُرۡ بِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ١٢١﴾ [البقرة: 121].

«کسانی که کتاب به آن‌ها داده‌ایم، آن را چنان که شایسته‌ی آن است می‌خوانند، آن‌ها به آن (هدایت) ایمان می‌آورند، و کسانی که به او کافر شوند پس بی‌گمان ایشان زیانکارانند».

و خداوند تعالی فرمود:

﴿وَقَالَ ٱلرَّسُولُ يَٰرَبِّ إِنَّ قَوۡمِي ٱتَّخَذُواْ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ مَهۡجُورٗا﴾ [الفرقان: 30].

«و گفت (پیغمبر ج) ای پروردگار من! هرآینه قومم این قرآن را متروک ساختند».

برخی از احادیث شریفه

«قومی در خانه‌ای از خانه‌های خدا (مسجد) جمع نمی‌شوند که کتاب خدا را تلاوت نمایند و در میان خویش تدریس کنند، مگر این که بر آن‌ها آرامش و سکینه نازل می‌شود و رحمت خداوندی آن‌ها را می‌پوشاند و ملائکه بر آن‌ها درود می‌گویند و خداوند آن‌ها را در زمره‌ی مقربین خود می‌خواند»([[9]](#footnote-9)).

و رسول خدا ج فرمود:

«آنکه در قرآن مهارت دارد (تفسیر آن را می‌داند) در ردیف نیکوکاران و مقربین خداوندی حشر می‌شود و آن که قرآن را می‌خواند و در آن تجسس و تکاپو به خرج می‌دهد در حالی که بر آن مشکل است برای او دو پاداش است»([[10]](#footnote-10)).

و رسول خدا ج فرمود:

«آن که حرفی را از کتاب خدا بخواند برای او در این عمل حسنه است و حسنه به ده برابر است، نمی‌گویم (الم) یک حرف است، بلکه الف حرف است، لام حرف است و میم حرف است»([[11]](#footnote-11)).

و رسول خدا ج فرمود:

«برای صاحب قرآن گفته می‌شود، بخوان و صعود نما و به ترتیل بخوان چنانکه در دنیا به ترتیل می‌خواندی، زیرا که مرتبه‌ی تو در آخر آیه‌ای است که می‌خوانی»([[12]](#footnote-12)).

و رسول خدا ج فرمود:

«خداوند با این کتاب (قرآن) اقوامی را بلند می‌سازد و دیگری را پایین می‌آورد»([[13]](#footnote-13)).

رسول خدا ج فرمود:

«قرآن را بخوانید زیرا که قرآن برای اصحابش در روز قیامت شفیع می‌شود»([[14]](#footnote-14)).

از خداوند می‌خواهیم ما را از اهل قرآن و از آنان که به حق هدایت شدند و به حق عدالت می‌نمایند بگرداند.

شیوه‌ی حفظ قرآن

از برازنده‌ترین و کاملترین درجات برای مسلمان این است که او حافظ کتاب خداوندی باشد، به این مفهوم که آیات توأم با ترتیب و صحتش در عقل و قلب‌شان محفوظ باشد. همانطوری که پیامبر اسلام قرآن را به وسیله‌ی جبرییل ÷ از جانب خداوند عزوجل به مسلمانان آورد.

و طوری حفظ نماید که هر وقت بخواهد از حافظه‌اش بازگردان نماید، غیر از این که احتیاج به دیدن مصحف شود و همین طور حفظ در سینه‌ها بود که به ما قرآن سلیم از ضیاع و تحریف در مرور قرن‌ها رسید.

یقیناً عصرهایی بر مسلمان‌ها گذشت که تدوین در آن وقت متعذر(دشوار) بود و نیز در اماکن زیستند که حمل مصاحف در آنجا دشوار بود، همانطوری که امروز در برخی کشورهای کمونیستی (سوسیالیستی) دیده می‌شود که مسلمانان نمی‌توانند با خود قرآن را حمل و یا تدریس نمایند.

روی این اساس آنچه که باید در این مقطع بر آن اعتماد داشت حفظ قرآن در سینه‌های مسلمین است، چنانچه در عهد حضرت ابوبکر و عثمان ب کار بدین منوال بود.

از اینجاست که در هر نماز به نمازگذار واجب شده است که به قرائت سوره و یا آیه از حفظ پس از قرائت سوره‌ی فاتحه در دو رکعت اول بپردازد و نیز بسیاری از ادعیه جدید از آیات قرآنی است.

همین طور احکام شرعی، پندها و مواعظ سودمندی را در قرآن مشاهده می‌نمایید که در آیات معینی تمثیل شده است و این استشهاد عالی است بر کمال عقل متکلم به آیات قرآنی و برتری موقف ادبی آن که به آیات تکلم نماید.

روی این اساس است که حتی غیر مسلمان‌ها آیات قرآنی را نقل می‌کنند و حفظ می‌نمایند و در سخن‌ها و نوشته‌های‌شان می‌آورند، چون درخشش و جلال خاصی را در آن می‌آفریند.

پس ای برادر مسلمان! آنچه که بر تو لازم و واجب است این است که مرتب به حفظ بخشی از قرآن کریم از صمیم قلب هر روز و یا هر هفته بپردازی تا آنگاه که إن شاء الله مقدار کافی را از کلام خداوند أ حفظ بداری.

در حدیث شریف آمده است که پیغمبر خدا ج تصمیم گرفت که در یکی از جنگ‌ها (غزوات) فرمانده تعیین کند از هریک یارانش سوال از مقدار حفظ (قرآن) شان نمود به این گفته که:

چه اندازه از قرآن را حفظ دارید؟ هریک از آن‌ها آن اندازه که حفظ داشتند می‌گفتند که فلان آیه و فلان سوره را من حفظ دارم تا که یکی گفت: همراهم سوره‌ی بقره است!

آن حضرت فرمود: برو تو امیرشان باش([[15]](#footnote-15)).

انگیزه و حکمت اقدام پیامبر خدا در تعیین آن شخص که گفت من سوره‌ی بقره را حفظ دارم، این است که این سوره‌ی دراز همه‌ی آنچه را در بر دارد که برای فرماندار از شئون جنگ، سیاست، قیادت، عدل و رحمت و نیز شئون دنیا و آخرت ضروری است.

چگونه قرآن را حفظ کنیم؟

یک یا چند آیه را بخوانید و پس از آن در ورقه‌ی خارجی نقل نماِیید و آن را با خود تکرار کنید... و بعداً بدون مراجعه به ورقه از حفظ بخوانید تا که از حفظ آن خوب مطمئن گردید.

از دوستی که دارید بخواهید که در قرآن بنگرد و شما از حفظ بخوانید.

شاید خطایی هنوز هم باقی مانده باشد، پس لازم است در نماز نیز به تلاوت آن بپردازید تا که خوب از حفظ آن مطمئن شوید و بعد از آن مجموعه‌ی دیگری را بگیرید و با آیه‌های قبلی پیوست سازید...

و از برکات شگفت قرآن این است که هرگاه به حفظ آیاتی شروع فرمایید، طوری نمودار می‌شود که گویا آیات بسیاری را حفظ کرده‌اید که گمان نمی‌کردید همه را حفظ کرده باشید و مسلّم است که وجد و سرور زاید الوصفی به شما دست می‌دهد.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمُزَّمِّلُ١ قُمِ ٱلَّيۡلَ إِلَّا قَلِيلٗا٢ نِّصۡفَهُۥٓ أَوِ ٱنقُصۡ مِنۡهُ قَلِيلًا٣ أَوۡ زِدۡ عَلَيۡهِ وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا٤ إِنَّا سَنُلۡقِي عَلَيۡكَ قَوۡلٗا ثَقِيلًا٥﴾ [المزمل: 1-5]

بخش دوم:  
تجوید

تعریف تجوید

تجوید عبارت از فنی است که به وسیله‌ی آن صحت نطق به حروف قرآن کریم شده است و از احوال وقوف بر آیات قرآنی معرفت به دست می‌آید.

غرض علم تجوید

حفظ زبان از خطاء در تلاوت قرآن است.

بخش‌های عمده‌ای از علم تجوید به صورت زیر است:

ا - احکام مد.

ب- احکام نون ساکنه و تنوین.

ج- احکام عمومی.

احکام مَدَّ

تعریف مَدّ

مد عبارت از اطالت آواز به حرفی از حروف است.

حروف مد

الف، واو و یاء است.

اسباب مد

همانا ضرورت صورتی است تا جمال کلام ظاهر شود.

مد دو قسم است:

1. مد طبیعی.
2. مد غیر طبیعی.

اولاً: مد طبیعی

همانا مد عادی است که در آن پس از حرف مد همزه([[16]](#footnote-16)) و ساکن نباشد. مثل:

﴿قَالَ﴾\_\_\_﴿كَانَ﴾ \_\_\_ ﴿لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ١﴾ \_\_\_ ﴿ٱللَّهُ﴾ \_\_\_ ﴿مَالُهُۥ﴾\_\_\_ ﴿سَيَصۡلَىٰ﴾

و اکثر مدود در قرآن از همین قسم آسان است.

حکم مد طبیعی

این است که به اندازه‌ی دو حرکت کشش شود (یعنی یک ثانیه).

چنانکه گویی یک ... دو.

ثانیاً: مد غیر طبیعی

عبارت از آنست که در آن پس از حرف مد، همزه یا سکون واقع شود، هرگاه در آن پس از حرف مد همزه واقع شود، متصل یا منفصل نامند.

و اگر در آن پس از حرف مد سکون واقع شود لازم، یا عارض به سکون نامند.

مد متصل و منفصل

هرگاه پس از حرف مد همزه بیاید لازم است که مد را اندکی اضافه گردانیم، زیرا که همزه از آخر حلق بیرون می‌شود و در این وقت مد را چهار کشش می‌دهیم (به مدتی که می‌شماریم، یک ... دو ... سه ... و چهار) و مجاز است که مد را تا پنج یا شش حرکت اضافه کنیم([[17]](#footnote-17)). مثال:

﴿يَٰٓأَيُّهَا﴾\_\_\_ ﴿إِنَّآ أَوۡحَيۡنَآ﴾ \_\_\_ ﴿قُولُوٓاْ ءَامَنَّا﴾

و این نوع را مد منفصل نامند، زیرا که مد در یک کلمه و همزه در کلمه‌ی دیگر واقع شده است.

مثال دیگر:

﴿وَلَوۡ شَآءَ رَبُّكَ﴾ \_\_\_﴿هَٰٓؤُلَآءِ﴾ \_\_\_﴿قَآئِمَةٞ﴾\_\_\_ ﴿سِيٓ‍َٔتۡ وُجُوهُ﴾

و این نوع را مد متصل نامند، زیرا که مد و همزه هردو در یک کلمه‌اند.

تمرین 1- با خود سوره «التین» را بخوانید و مدهای طبیعی آن را در ورقه‌ی خارجی بنگارید.

تمرین 2- خط نازکی را با قلم (مداد)، زیر مدهای طبیعی در آیات زیر بگذارید:

﴿وَدَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ ظِلَٰلُهَا وَذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا تَذۡلِيلٗا١٤ وَيُطَافُ عَلَيۡهِم بِ‍َٔانِيَةٖ مِّن فِضَّةٖ وَأَكۡوَابٖ كَانَتۡ قَوَارِيرَا۠١٥ قَوَارِيرَاْ مِن فِضَّةٖ قَدَّرُوهَا تَقۡدِيرٗا١٦ وَيُسۡقَوۡنَ فِيهَا كَأۡسٗا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا١٧ عَيۡنٗا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلۡسَبِيلٗا١٨﴾ [الإنسان: 14-18].

تمرین **3-** با خود سوره‌ی «القدر» را بخوانید و در ورقه‌ی خارجی مدهایی را که همزه (متصل و یا منفصل) پس از آن آمده است، بنویسید.

تمرین **4-** خط نازکی با قلم (مداد) زیر مد متصل، یا منفصل در آیات زیر بگذارید:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ﴾

﴿أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلصِّدِّيقُونَۖ وَٱلشُّهَدَآءُ عِندَ رَبِّهِمۡ﴾

﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُۥ مِن نِّعۡمَةٖ تُجۡزَىٰٓ١٩ إِلَّا ٱبۡتِغَآءَ وَجۡهِ رَبِّهِ ٱلۡأَعۡلَىٰ٢٠﴾

﴿هَلۡ جَزَآءُ ٱلۡإِحۡسَٰنِ إِلَّا ٱلۡإِحۡسَٰنُ٦٠ فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ٦١﴾.

مد لازم

عبارت از هر مدی است که ساکن، پیوست او باشد.

و لازم است که به اندازه‌ی شش حرکت (کشش) کشیده شود تا که مد به وضوح ظاهر شود.

مثال:

﴿قٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡمَجِيدِ١﴾ اصل آن حسب سماع (قاف) است.

﴿نٓۚ وَٱلۡقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُونَ١﴾ ما می‌شنویم (نون).

﴿الٓمٓ١ ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ﴾ اصل آن (الف، لام، میم) است.

مثال دیگر:

﴿ٱلۡحَآقَّةُ١﴾ اصل آن: «الحاقْـ قَة».

﴿ٱلطَّآمَّةُ﴾ اصل آن: «الطامْـ مَة».

﴿قُلۡ أَتُحَآجُّونَنَا فِي ٱللَّهِ﴾ اصل آن: «أتحاجـ جُوننا».

﴿وَلَا ٱلضَّآلِّينَ٧﴾ اصل آن: «الضالْ لين»([[18]](#footnote-18)).

و همین طور...

مد عارض به سکون

همانا هر مد طبیعی است که پس از آن از قرائت می‌ایستیم و غالباً در انتهای آیات می‌باشد.

مثال:

﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلۡعَظِيمِ٥٢﴾.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٞ٢١﴾.

﴿وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ١٨٥﴾.

﴿فِيهِمَا مِن كُلِّ فَٰكِهَةٖ زَوۡجَانِ٥٢﴾.

و مجاز است که از دو حرکت به شش حرکت([[19]](#footnote-19)) حسب حالت قرائت امتداد داده شود([[20]](#footnote-20)).

تمرین 1- خط نازکی زیر مد لازم در آیه‌های ذیل بکشید:

﴿فَإِنۡ حَآجُّوكَ فَقُلۡ أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ ...﴾.

﴿حمٓ١ تَنزِيلٞ مِّنَ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ٢ ...﴾.

﴿طسٓمٓ١ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ...﴾.

﴿فَإِذَا جَآءَتِ ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ٣٤ ...﴾.

﴿طه١ مَآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لِتَشۡقَىٰٓ٢ ...﴾.

تمرین 2- سوره‌ی فاتحة الکتاب را با خود بخوانید و بگویید که چقدر مد لازم در آن‌ است؟

تمرین 3- سوره‌ی «التین» را بخوانید و بیان دارید که حائز چه اندازه از مدها عارض به سکون است؟

تمرین 4- سوره‌ی «اللیل» را قرائت نمایید و مدهای آن را بیان نمایید؟

تمرین 5- در سوره‌ی «المرسلات» به چه تعداد مد عارض به سکون است؟([[21]](#footnote-21)).

بخش سوم:  
احکام نون ساکنه و تنوین**([[22]](#footnote-22))**

مقدمه

پیامبر خدا ج ما را دعوت فرموده است که به خوش‌آوازی و ترنم با قرآن توأم با مراعات خشوع و عدم بازی با آن بپردازیم.

و مراعات احکام این بخش طریقه و شیوه‌ی این ترنم را حفظ می‌دارد به گونه‌ای که در تلاوت شیرینی و گوارایی پسندیده و سهلی را می‌آفریند و البته این گوارایی با ادخال برخی حروف متشابه و متقاربه در بعض برخی حروف دیگر بدون این که آن حرف ضایع شود و یا مفهوم را فاسد سازد به دست می‌آید.

احکام نون ساکنه و تنوین چهار قسم است:

1. اظهار.
2. ادغام.
3. اخفاء.
4. اقلاب یا ابدال.

اظهار

همانا اظهارنمودن روشن و واضح نون ساکنه (یا تنوین) در نطق است و این اظهار در جایی است که پس از نون ساکنه یا تنوین یکی از این حروف بیاید:

(ء . هـ . ع . ح . غ . خ)

زیرا که حرف نون از اول دهان بیان می‌شود و این حروف از آخر دهان اداء می‌شود، بناءً در بین این‌ها نزدیکی و تقاربی دیده نمی‌شود و این حروف در این شعر جمع شده است.

|  |  |
| --- | --- |
| حروف حلقی شش بود ای بی‌وفا | ها و همزه حا و عین غین و خا([[23]](#footnote-23)) |

مثال:

**الهمزة:**

﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ﴾\_\_\_ ﴿عِوَجًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ﴾ \_\_\_﴿بِسُلۡطَٰنٍ إِلَّا﴾

**الهاء:**

﴿عَلَىٰ عِلۡمٍ هُدٗى﴾ \_\_\_﴿إِنۡ هَٰذَٰنِ لَسَٰحِرَٰنِ﴾ \_\_\_ ﴿وَلِكُلِّ قَوۡمٍ هَادٍ﴾

**العين:**

﴿أَجۡرًا عَظِيمٗا﴾ \_\_\_ ﴿وَإِنۡ عُدتُّمۡ عُدۡنَاۚ﴾ \_\_\_ ﴿أَنۡعَٰمٞ وَحَرۡثٌ﴾

**الحاء:**

﴿عَلِيمٌ حَكِيمٞ﴾\_\_\_ ﴿مَنۡ حَمَلَ ظُلۡمٗا﴾ \_\_\_ ﴿يَنۡحِتُونَ مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتًا﴾

**الغين:**

﴿عَفُوًّا غَفُورًا﴾\_\_\_ ﴿بِقُرۡءَانٍ غَيۡرِ هَٰذَآ﴾

**الخاء:**

﴿لَطِيفًا خَبِيرًا﴾\_\_\_﴿مِّنۡ خَيۡرٖ﴾ \_\_\_﴿إِنۡ خِفۡتُمۡ﴾

ادغام

عبارت است از جعل نون ساکنه در نطق همراه حرفی که پیوست آن می‌آید، چون یک حرف و این در جایی می‌باشد که نون ساکنه قبل حروف زیر واقع شود([[24]](#footnote-24)).

«یرملون»

و این به خاطر نزدیکی و تقارب مخارج این حروف در مقدم (پیش) حلق است.

مثال:

**الياء:**

﴿وَمَن يَعۡمَلۡ﴾\_\_\_ ﴿يَهۡدِي مَن يَشَآءُ﴾ \_\_\_﴿إِن يَشَأۡ يَرۡحَمۡكُمۡ﴾

**الراء:**

﴿مِن ثَمَرَةٖ رِّزۡقٗا﴾ \_\_\_﴿مِّن رَّبِّهِمۡ﴾ \_\_\_ ﴿رَءُوفٞ رَّحِيمٞ﴾([[25]](#footnote-25))

**الميم:**

﴿لِأَجَلٖ مُّسَمّٗى﴾ \_\_\_ ﴿رَحۡمَةٖ مِّن رَّبِّكَ﴾ \_\_\_ ﴿مَلُومٗا مَّدۡحُورًا﴾

**اللام:**

﴿فَعَّالٞ لِّمَا يُرِيدُ﴾ \_\_\_﴿فَسَلَٰمٞ لَّكَ﴾ \_\_\_ ﴿مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ﴾

**الواو:**

﴿قَآئِمٞ وَحَصِيدٞ﴾ \_\_\_ ﴿رَحِيمٞ وَدُود﴾ \_\_\_ ﴿خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا﴾

**النون:**

﴿إِن نَّشَأۡ﴾\_\_\_ ﴿كِتَٰبٗا نَّقۡرَؤُهُۥ﴾\_\_\_ ﴿عَذَابٗا نُّكۡرٗا﴾

تمرین 1- ده آیه از سوره‌ی «الإنسان» را بخوانید و در ورقه‌ای دیگری مواضع و جاهای ادغام را درج نمایید.

تمرین 2- سوره‌ی «العلق» را قرائت نمایید و مواضع و جاهایی که اظهار در آن است یادداشت نمایید.

تمرین 3- زیر مواضع ادغام در آیات ذیل خط‌گذاری نمایید:

﴿إِن يُوحَىٰٓ إِلَيَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ٧٠﴾.

﴿إِذۡ قَالَ رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن طِينٖ٧١﴾.

﴿قُلۡ مَآ أَسۡ‍َٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ٨٦﴾.

﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ٨٧﴾.

﴿وَلَتَعۡلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعۡدَ حِينِۢ٨٨﴾ [ص: 88].

تمرین 4- در آیات زیر جاهای اظهار را خط‌گذاری کنید:

﴿وَٱللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا وَجَعَلَ لَكُم مِّنۡ أَزۡوَٰجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةٗ﴾ [النحل: 72].

﴿وَيَوۡمَ نَبۡعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدًا عَلَيۡهِم مِّنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَجِئۡنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِۚ﴾ [النحل: 89].

﴿أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرۡبَىٰ مِنۡ أُمَّةٍۚ إِنَّمَا يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِۦۚ﴾ [النحل: 92].

تمرین 5- در قرآن جستجو و تفحص نمایید و سه آیه را که در آن ادغام باشد استخراج فرمایید.

تمرین 6- در کتاب الله تفحص نمایید و سه آیه را که در آن اظهار باشد استخراج نمایید.

اقلاب

عبارت از قلب نون ساکنه و یا تنوین به میم است هرگاه بعد از از نون ساکنه و یا تنوین حرف باء باشد...

و سبب در این قلب همانا تقارب آن دو است و دیگر این که تلفظ حرف باء خیلی قوی بربهم خوردن لب‌ها می‌باشد...

مثال:

﴿يَنۢبَغِي﴾\_\_\_ ﴿هَمَّازٖ مَّشَّآءِۢ بِنَمِيمٖ١١﴾ \_\_\_ ﴿مِنۢ بَعۡدِهِم﴾

اخفاء (پنهان)

عبارت از نطق نون ساکنه یا تنوین به شکل متوسط میان اظهار و ادغام است، هرگاه بعد آن حروف زیر بیاید:

(ص ذ ث ک ج ش ق س د ز ف ت ض ظ)

و این 15 حرف است که در اوایل کلمات بیت زیر جمع شده است:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| صِفْ ذَا ثَنَاكُمْ جَادَ شَخْصٌ قَد سَمَا |  | دُمْ طَيِّبًا زِدْ فِيْ تُقًى ضَعْ ظَالِـمًا |

مثال:

﴿يَنطِقُ﴾\_\_\_ ﴿عَفُوّٗا قَدِيرً﴾ \_\_\_ ﴿إِن جَآءَكُمۡ﴾\_\_\_ ﴿فَمَن تَبِعَنِي﴾

تمرین1- خط خفیفی زیر مواضع اقلاب در آیات زیر بگذارید:

﴿أَنۢ بُورِكَ مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا﴾.

﴿مَّشَّآءِۢ بِنَمِيمٖ١١﴾.

﴿عُتُلِّۢ بَعۡدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ١٣﴾ [القلم: 13].

20 آیه([[26]](#footnote-26)) از سوره‌ی «المعارج» را قرائت نمایید و مواضع اخفاء را در آن بیان دارید.

تمرین 2- زیر جاهای ادغام و اخفاء در حالی که سبب آن را بیان می‌دارید خط‌گذاری نمایید.

﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِيٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيۡرٗا مِّن ذَٰلِكَ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ وَيَجۡعَل لَّكَ قُصُورَۢا١٠﴾.

﴿بَلۡ كَذَّبُواْ بِٱلسَّاعَةِۖ وَأَعۡتَدۡنَا لِمَن كَذَّبَ بِٱلسَّاعَةِ سَعِيرًا١١﴾.

﴿إِذَا رَأَتۡهُم مِّن مَّكَانِۢ بَعِيدٖ سَمِعُواْ لَهَا تَغَيُّظٗا وَزَفِيرٗا١٢﴾.

﴿وَإِذَآ أُلۡقُواْ مِنۡهَا مَكَانٗا ضَيِّقٗا مُّقَرَّنِينَ دَعَوۡاْ هُنَالِكَ ثُبُورٗا١٣﴾.

تمرین 3- سه آیه را که در آن اقلاب باشد بیاورید.

تمرین 4- جاهای ادغام، اظهار و اخفاء را در آیات زیر روشن سازید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ٥﴾.

﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ٦﴾.

﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٌ٧﴾.

بخش چهارم:  
احکام عمومی

حکم میم ساکنه

اظهار

هرگاه بعد میم ساکنه هر حرفی از حروف هجاء به استثنا باء و میم واقع شود اظهار می‌شود.

مثال:

﴿أَمۡ لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ﴾\_\_\_ ﴿فَإِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ١٦١﴾ \_\_\_ ﴿يَمۡشُونَ﴾

اخفاء با غنه

هرگاه بعد میم ساکنه حرف باء واقع گردد اخفاء باغنه شود.

مثال:

﴿تَعۡرِفُهُم بِسِيمَٰهُمۡ﴾ \_\_\_ ﴿يَوۡمَ هُم بَٰرِزُونَ﴾ \_\_\_ ﴿كُنتُم بِ‍َٔايَٰتِهِۦ﴾ \_\_\_ ﴿وَلَسۡتُم بِ‍َٔاخِذِيهِ﴾

ادغام

هرگاه بعد میم ساکنه حرف «میم» دیگر بیاید ادغام می‌شود.

﴿عَلَيۡهِم مَّا يَلۡبِسُونَ٩﴾ \_\_\_ ﴿إِنَّكُم مَّٰكِثُونَ﴾

حکم راء

تفخیم (درشت)

«را» تفخیم خوانده شود: وقتی که مفتوحه باشد.

مثال:

﴿بِرَبِّكُمۡ﴾\_\_\_﴿يُسۡرٗا٨٨﴾\_\_ ﴿وَتَرَى ٱلۡجِبَالَ﴾

و یا مضمومه باشد:

مثال:

﴿بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ﴾ \_\_\_ ﴿نَصۡرُ ٱللَّهِ﴾

و یا ساکنه باشد:

مثال:

﴿زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِر﴾ \_\_\_ ﴿قُرۡءَٰنًا عَرَبِيّٗا﴾

و قبل آن مضموم و یا مفتوح باشد:([[27]](#footnote-27))

مثل:

﴿وَزَرۡعٞ وَنَخِيلٞ﴾ \_\_\_﴿بَرۡدٗا وَسَلَٰمًا﴾

ترقیق (نازک)

و «راء» ترقیق خوانده شود: هرگاه مکسور باشد (غالبا) و یا ساکن باشد و قبل آن مکسور:

﴿ٱلۡقَرِين﴾ \_\_\_﴿بَارِدٞ﴾\_\_\_﴿لَبِٱلۡمِرۡصَادِ١٤﴾

لفظ جلاله

لام در کلمه «الله» تفخیم (درشت و غلیظ) خوانده می‌شود:

هرگاه ماقبل آن مضموم باشد.

مثال:

﴿نَصۡرُ ٱللَّهِ﴾ \_\_\_ ﴿رَسُولَ ٱللَّهِ﴾

و یا مفتوح باشد:

مثال:

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ١﴾\_\_\_ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ﴾

و ترقیق (نازک) خوانده می‌شود، هرگاه ماقبل لام مکسور باشد.

مثال:

﴿بِٱللَّهِ﴾\_\_\_ ﴿وَيُنَجِّي ٱللَّهُ﴾\_\_\_ ﴿مِنۡ عِندِ ٱللَّهِ﴾

ادغام عمومی

عموماً ادغام می‌باشد: برای هردو حرف از نوع واحد:

مثال:

﴿ٱذۡهَب بِّكِتَٰبِي هَٰذَا﴾\_\_\_﴿يُوَجِّههُّ﴾\_\_\_﴿يُدۡرِككُّمُ ٱلۡمَوۡتُ﴾

و برای هردو حرف متجانس در مخرج‌های شان و یا متقارب:([[28]](#footnote-28))

قَد تَّبَيَّنَ \_\_\_ ارْكَب مَّعَنَا \_\_\_ يَلْهَث ۚ ذَّٰلِكَ

و مثل

﴿وَقُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي﴾ \_\_\_ ﴿أَلَمۡ نَخۡلُقكُّم﴾

و این ادغام چیزی است که قاری از جانب خود می‌نماید، زیرا که ادغام بر زبان آسانتر و در نطق بهتر است.

لحن

لحن عبارت از هر نطق و یا تشکیلی است که معنی قرآن کریم([[29]](#footnote-29)) را تغییر دهد و طبعاً این حرام است.

«أنعمتُ عليهم» بدل از «أنعمتَ».

«إن الله هو الرزَّاء» بدل از «الرزَّاق».

«عَيَّ على الصلاة» بدل از «حَيَّ على».

«حَيَّ على الفلاه» بدل از «الفلاح».

قلقله

قلقله (یعنی تکان‌دادن در مخرج در حال سکون):

عبارت است از اهتزاز حرف یا اماله آن (گرداندن) به جانب حرکت مابعدش: و قلقله در این حروف می‌باشد: «قطب جد»

(ق. ط. ب. جـ. د)

هرگاه ساکن واقع شود مثل:

﴿ٱقۡتَرَبَتِ ٱلسَّاعَةُ﴾ \_\_\_﴿يَبۡغُونَكُمُ ٱلۡفِتۡنَةَ﴾\_\_\_ ﴿عَتِيدٞ﴾ \_\_\_ ﴿فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ﴾\_\_\_ ﴿أَفَتَطۡمَعُونَ﴾

حکم ابتداء، وقف، وصل

ابتداء

عبارت از شروع قرائت ابتداءً و یا بعد از سکوت در اثناء قرائت است.

وقف

همانا قطع نطق یا موقتاً و نهایتاً می‌باشد و البته برای هریک از این دو احکامی است:

ابتداء تام

شروعی است که برای آن علاقه‌ای به ماقبل‌اش لفظا و با معنا نیست مانند ابتداء به قوله تعالی:

﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ٩﴾ [الحجر: 9].

ابتداء حسن یا کافی

شروعی است که برای آن علاقه به ماقبلش در معنی باشد و البته اگر به آن شروع کرده شود مفهوم آن نیکوتر می‌باشد.

مانند فرموده خداوندی:

﴿فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِي رَحۡلِ أَخِيهِ﴾([[30]](#footnote-30)).

اما ابتداء قبیح

همان ابتدائی است که مفهوم آیه را از شدت تعلقش به ماقبل آن فاسد می‌سازد و این ناجایز است: مانندی که بگویی: «وما نحن لك بمؤمنين».

و گویی:

﴿وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ﴾.

وصل

در وقت انقطاع نَفَس پیوست‌دادن کلام به ماقبلش نیکو است اگر شروع از اینجا (جایی که نفس قطع شده) حسن و خوب نباشد، مانندی که می‌گویی:

مثلاً: ﴿وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ﴾.

و بعداً اضطراراً توقف می‌کنی و باز برگشت می‌کنی و می‌گویی:

﴿وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ﴾.

وقف تام

آنست که کلام لفظاً و معناً به آن تمام می‌یابد.

مثل: ﴿وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُتَّقُونَ١٧٧﴾.

وقف حسن

آنست که وقف بر آن نیکو است، لکن احسن وصل به مابعد آنست.

مثل: ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ﴾.

و بعداً برگشت می‌کنی و می‌گویی:

﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ٢﴾.

وقف قبیح

وقف قبیح «وقف بر آن خوب نیست»!

آنست که ایستادن نهایی بر آن از جهت شدت تعلق آن به مابعدش زشت و قبیح می‌باشد و مفهوم با این وقف فاسد می‌شود: مانند وقف بر کلمه:

«الإنس، والصلاة، والمصلين».

در فرموده‌ی خداوند:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ﴾.

و لازم است که بگویید: ﴿إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦﴾.

﴿لَا تَقۡرَبُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾ و لازم است که آیه را کامل نمایید: ﴿وَأَنتُمۡ سُكَٰرَىٰ﴾.

﴿فَوَيۡلٞ لِّلۡمُصَلِّينَ٤﴾ و حتمی است که کامل آیه را با هم بخوانید: ﴿ٱلَّذِينَ هُمۡ عَن صَلَاتِهِمۡ سَاهُونَ٥﴾.

بناء لازم است وصل در وقت شروع به قرائت میان این کلمات و مابعدشان، خوف از فاسد شدن مفهوم به وقف در آن و شروع به مابعد آن([[31]](#footnote-31)).

اصطلاحات وقف و وصل

دانشمندان و مفسرین گرامی در ترسیم‌کردن کلمات به این مسایل توجه ژرفی نموده‌اند به نحوی که اصطلاحات مشخصی را در اکثر مصاحف وضع نموده‌اند و برای طالب رجوع به این نشانه‌ها جهت استفاده از آن‌ها لازم است. هرچند که برخی علماء در این مورد مبالغه هم کرده‌اند.

غُنَّه

غنه‌کردن تنوین و نون مشدده و ساکنه لازم است.

﴿وَإِن نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُم﴾\_\_\_ ﴿صَفّٗا صَفّٗا٢٢﴾\_\_\_ ﴿ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ﴾

چنانکه میم ساکنه مدغم در مثلش در حرف باء غنه می‌شود.

﴿لَهُم مَّا يَشَآءُونَ﴾\_\_\_  ﴿أَم بِهِۦ جِنَّةُۢۗ﴾

نطق صحیح آیات قرآنی

بیرون‌کردن زبان در نطق، شاء، ذال، ظا، واجب است، زبان در نطق جیم (در غیر مبالغه)([[32]](#footnote-32)) تعطیش گردانده شود.

لازم است که بازگشت به زبان بر نطق ضاد شود تا به دال اشتباه نیفتد.

و لازم است که بازگشت به زبان بر نطق صاد شود تا به سین اشتباه نیفتد.

و این موضوعی است که شنیدن و تمرین در آن سودمند است.

و باید در نطق حروف دقت زیاد گردد، تا خدا ناخواسته بر شیوه‌ی امت‌های دیگر نشود که جیم را تلفظ می‌کردند و یا قاف را در نطق به همزه و یا غین بدل می‌نمودند و امثال این...

خوف از تحریف کلمات قرآن از مواضع خود، مثلاً در نطق حروف به شکل زیر (در کلمات) مفهوم به کلی عوض می‌شود:

مثلاً:

مفهوم عوض می‌شود در «اللزين» از «الذين».

مفهوم عوض می‌شود در «الآدر» از «القادر».

مفهوم عوض می‌شود در «الرزَّاء» از «الرزاق».

مفهوم عوض می‌شود در «والسوء» از «السوق».

.. الخ

نباید که فرموده‌ی خداوندی را از نظر دور داشت که قرآن را وصف فرموده است:

﴿قُرۡءَانًا عَرَبِيًّا غَيۡرَ ذِي عِوَجٖ﴾ [الزمر: 28].

بجا است که یادآور شویم برخی ملت‌ها به نحوی (احتراز از خطاء) مبالغه را پیش گرفته‌اند که نطق کلمات عربی را به کلی مشکل عرض اندام کرده و حتی کتابت آن، مشکل و صعب نمودار شده است: شواهدی زیادی در دست است از آن جمله در صحیفه‌ای که در اروپا توزیع شده بود خواندم. کلمه ذوالحجه را اینطور نوشته Zul–hidhjdhja در حالی که می‌شد که بنویسند zolhijjah این شکل و مسلم که سختگیری و مبالغه‌ی آن عده تاثیر گذاشته است.

تمرینات بخش چهارم

تمرین 1- آیات زیر را توأم با مراعات آنچه که در آن از غنَّه و مَدّ است قرائت نمایید:

﴿إِنۡ أَحۡسَنتُمۡ أَحۡسَنتُمۡ لِأَنفُسِكُمۡۖ وَإِنۡ أَسَأۡتُمۡ فَلَهَاۚ فَإِذَا جَآءَ وَعۡدُ ٱلۡأٓخِرَةِ لِيَسُ‍ُٔواْ وُجُوهَكُمۡ وَلِيَدۡخُلُواْ ٱلۡمَسۡجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٖ وَلِيُتَبِّرُواْ مَا عَلَوۡاْ تَتۡبِيرًا٧﴾ [الإسراء: 7].

﴿مَّن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعَاجِلَةَ عَجَّلۡنَا لَهُۥ فِيهَا مَا نَشَآءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلۡنَا لَهُۥ جَهَنَّمَ يَصۡلَىٰهَا مَذۡمُومٗا مَّدۡحُورٗا١٨﴾ [الإسراء: 18].

تمرین 2- تحت مواقع وقف حسن یک خط خفیف و تحت مواضع وقف قبیح دو خط بگذارید.

﴿بَلۡ قَالُواْ مِثۡلَ مَا قَالَ ٱلۡأَوَّلُونَ٨١ قَالُوٓاْ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ٨٢ لَقَدۡ وُعِدۡنَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا هَٰذَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ٨٣ قُل لِّمَنِ ٱلۡأَرۡضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٨٤ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ٨٥ قُلۡ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبۡعِ وَرَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ٨٦ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ٨٧ قُلۡ مَنۢ بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيۡءٖ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيۡهِ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ٨٨ سَيَقُولُونَ لِلَّهِۚ قُلۡ فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ٨٩﴾ [المؤمنون: 81-89].

تمرین 3- توأم با بیان حکم لفظ جلاله، این آیات را قرائت نمایید و توجه نمایید که باید حروف از مخارج صحیح‌اش بیرون شوند.

﴿سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا٦٢﴾.

﴿وَلِلَّهِ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ١٨٩﴾.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُقَدِّمُواْ بَيۡنَ يَدَيِ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦۖ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٞ١﴾.

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ﴾.

﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَثَمُودُ٤٢﴾.

﴿هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٖ٣٢﴾.

﴿فَفِرُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِۖ إِنِّي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ مُّبِينٞ٥٠ وَلَا تَجۡعَلُواْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۖ إِنِّي لَكُم مِّنۡهُ نَذِيرٞ مُّبِينٞ٥١﴾.

تمرین 4- جاهای قلقله و احکام راء را در آیات زیر بیان دارید.

﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِۦ فَجَآءَ بِعِجۡلٖ سَمِينٖ٢٦﴾.

﴿فَأَقۡبَلَتِ ٱمۡرَأَتُهُۥ فِي صَرَّةٖ فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا وَقَالَتۡ عَجُوزٌ عَقِيمٞ٢٩﴾.

﴿۞قَالَ فَمَا خَطۡبُكُمۡ أَيُّهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ٣١﴾.

﴿مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ٥٧﴾.

﴿۞كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ فَكَذَّبُواْ عَبۡدَنَا وَقَالُواْ مَجۡنُونٞ وَٱزۡدُجِرَ٩﴾.

تمرین 5- این آیات را در حالی که احکام میمی که در آنست توضیح می‌دهید قرائت نمایید.

﴿عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٖ مِّمَّن مَّعَكَۚ وَأُمَمٞ سَنُمَتِّعُهُمۡ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ٤٨﴾.

﴿وَقَوۡمَ نُوحٖ مِّن قَبۡلُۖ إِنَّهُمۡ كَانُواْ هُمۡ أَظۡلَمَ وَأَطۡغَىٰ٥٢﴾.

﴿هُوَ أَعۡلَمُ بِكُمۡ إِذۡ أَنشَأَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَإِذۡ أَنتُمۡ أَجِنَّةٞ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡۖ فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡۖ هُوَ أَعۡلَمُ بِمَنِ ٱتَّقَىٰٓ٣٢﴾.

﴿وَأَنفِقُواْ مِمَّا جَعَلَكُم مُّسۡتَخۡلَفِينَ فِيهِۖ﴾.

﴿أَيۡنَمَا تَكُونُواْ يُدۡرِككُّمُ ٱلۡمَوۡتُ وَلَوۡ كُنتُمۡ فِي بُرُوجٖ مُّشَيَّدَةٖۗ﴾.

بخش پنجم:  
معلومات عام در بارۀ قرآن

املای مصحف

تدوین مصحف کریم، در ابتداء امر بدون ترقیم آیات و بدون شکل‌گذاری و نقطه بر روی حروف بود. با این هم مسلمان‌ها با قرائت صحیح قرآن را می‌خواندند و علت همانا این بود که در آن عصر حفاظ قرآن زیاد بودند و مسلمان‌ها همانطوری که از رسول خدا ج و اصحاب بزرگوار آموخته بودند با فطرت و طینت پاک‌شان قرائت می‌کردند.

چون فتوحات اسلامی وسعت یافت و در اسلام غیر عرب نیز درآمد، احتیاج مبرم به تدقیق در نسخه‌ها و قرائت گردید، از آنجا بود که علم املاء و نگارش که همان فن کتابت و ضمایم آنست، به وجود آمد و علم «تجوید» نیز که همانا فن اداء صحیح برای تلاوت قرآن است عرض اندام نمود.

در مدتی که جمع و تدوین قرآن تحت نظر و کنترل دولت اسلامی و ائمه‌ی هدی اتمام یافت، قواعد املاء به همین شکل که حالا در مصاحف می‌بینید بود.

و به جا است تذکر دهیم که احدی به تغییر آن جرأت ننمود و عمده‌ترین مسأله ترس از تحریف قرآن کریم بود، حال آنکه املاء و نگارشی که معمول بود درگذشت زمانه‌ها بر آن تغییراتی وارد آمد و به شکل متکامل‌تری عرض اندام نمود.

البته علت عمده‌ای که معمولاً در قرائت (آن که تازه به قرآن شروع می‌نماید و مبتدی است) صعوبت و دشواری مشاهده می‌شود از همینجا است که مصاحف بر شیوه‌ی کتابت قدیمی باقی مانده است.

مثلاً:

﴿ٱلرَّحۡمَٰن﴾ ما می‌نویسیم: «الرحمان».

﴿ٱلسَّمَٰوَٰتِ﴾ ما می‌نویسیم: «السماوات».

﴿ٱلصَّلَوٰةَ﴾ ما می‌نویسیم: «الصلاة».

﴿ٱلزَّكَوٰةَ﴾ ما می‌نویسیم: «الزكاة».

﴿أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ﴾ ما می‌نویسیم: «يُها».

﴿لَأَاْذۡبَحَنَّهُۥٓ﴾ ما می‌نویسیم: «لأذبحنه».

الم: الف – لام – ميم

حم: حا – ميم

و هرگاه به نحوی باشد که قرآن بر شیوه‌ای که سلف قرائت می‌نمودند (بر پیروی از آن‌ها) تلاوت شود، بناء دیگر شخص مبتدی نیز با اینگونه فراگیری می‌تواند تفاوت و فرقی که میان رسم قدیم و املاء جدید است درک نماید.

رموز مصحف

نویسندگان و کتاب مصحف همچنین به وضع اشاراتی اهتمام زیادی نموده‌اند، به گونه‌ای که راهنمایی قاری بر مواضع وقف جایز و ممنوع گردیده است و همینطور او را به برخی احکام تجوید چون ادغام، تنوین و امثال آن آشنا می‌سازد و مسلم است خدمتی بزرگ است که شده است.

از امثله رموز مصحف

م: علامت وقف لازم.

ج: علامت وقف جایز که مساوی با وصل است.

صلی: علامت این که وصل اولی از وقف است.

قلی: علامت آن که وقف اولی است.

ط: علامت وقف مطلق، یعنی وقف احسن است.

ص: وقفی است که هرگاه سبب آن باشد وقف مرخص است.

لا: علامت عدم وقف.

س: علامت این که بر حرف سکته شود.

و امثال این رموز که در صفحات اخیر مصاحف بزرگ (با اختلافی که در این باره است) بیان شده است که توجه و دقت در این رموز لازم است.

ٌ: دلالت بر این می‌نماید که در ضم اخفاء شود.

ٌ: دلالت بر این می‌نماید که تنوین اظهار گردد.

ٌ: دلالت بر این می‌کند که ادغام گردد توام با این که حرف بعدی مشدد شود.

ْ: نشان سکون است.

تقسیمات مصحف

«مصحف» همان کتاب متکامل (جامع و کامل) را گویند.

پیامبر خدا ج در زمان حیاتش بر مسلمان‌ها مواضع سوره و آیه را بیان فرمودند، روی این اساس مصاحف اولی اجزاء و بخش‌ها (که حالا در مصاحف دیده می‌شود) را نداشت، تا آنگاه که مسلمان‌ها بر پیروزی‌ها دست یافتند و ساحه‌ی دولت اسلامی گسترش پیدا کرد. مسلمان‌ها با عنایت و توجه‌ی افزونی به قرآن دستور آسمانی خداوندی توجه نمودند، در آن وقت که از عصر پیامبر اسلام ÷ مدت‌ها گذشته بود، خطاطان و قاریان، قرآن را بر سی «جزء» تقسیم نمودند و هر جزء را به هشت بخش که هر بخش آن را مسمی به «ربع» نمودند که «ربع» تقریباً معادل دو صفحه می‌باشد و برخی قراء و کُتَّابَ، قرآن کریم، از این هم پافراتر گذاشته‌اند اقداماتی زیادتری در این مورد نمودند که حتی بر هر ده آیه نشانه‌ای مشخص نهادند و نام آن را «عشرا» گذاشتند و همین مصحفی را که هم اکنون در دست داریم همه‌ی این علامات و مشخصات را دارد.

هرچند که برخی دانشمندان اینگونه اقدامات را مجاز دانستند و بر صحت این تقسیم اذعان کرده‌اند، ولی عده‌ای از علمای اسلامی اینگونه اقدامات را مجاز ندانسته و مکروه پنداشته‌اند.

به هرحال، ناگفته پیداست که این تقسیم نه تنها در وقت تلاوت مفید و سودمند واقع شده است، بلکه حتی در موقع فراگیری و تدریس کلام خداوندی به ویژه در نماز تراویح که به ختم قرآن اقدام می‌شود، تسهیلاتی را فراهم گردانده است؛ به نحوی که امام می‌تواند قرآن را در سی شب یا کمتر – ماه رمضان – ختم نماید.

حسابی که به دست آمده است نشان می‌دهد که سوره‌های قرآن کریم 114 و شمار آیات آن به 6236 آیه می‌رسد، البته در عدد آیات اختلاف اندکی میان علماء گرامی هست، چنانچه برخی مصاحف از این تعداد بیشتر و برخی کمتر یاد کرده‌اند.

مکی و مدنی در قرآن

زمانی که اسلام بر افق قیرگون و تیره‌ی مکه تابیدن گرفت، قرآن کریم من‌حیث معجزه‌ی بزرگ بر پیامبر اسلام ج منجم و چند آیه‌ای نازل می‌شد.

به این ترتیب قرآن با این که در مناسبات مختلف نازل می‌شد، تقریباً 23 سال را در بر گرفت. روی این اساس بعضی از سور و آیات قرآن چون در مکه نازل شد «مکی» نامیدند و بعضی هم که در مدینه نازل شد «مدنی» نامیدند.

هرگاه به دقت در کلام الله مجید نگریسته شود، به خوبی آیات مکی (آیاتی که در مکه نازل شده) تمییز داده می‌شود، چون آیات مکی حایز الفاظ قوی و فقره‌های کوتاهی بوده است و معظم آیات آن پیرامون توحید، یا تهدید و یا وصف بهشت و دوزخ می‌چرخد، چنانچه اکثر سوره‌های جزء «عم» همینطور است که در مکه نازل شده‌اند چه ظروف دعوت در آن جو مستدعی همین بود. مثلاً فرموده‌ی خداوند عزوجل:

﴿تَبَّتۡ يَدَآ أَبِي لَهَبٖ وَتَبَّ١﴾.

و فرموده‌ی تبارک و تعالی:

﴿إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ١﴾.

و بخشی از قرآن کریم که در مدینه نازل شده است حایز خصوصیت‌های جدا از ویژگی‌هایی که در آیات مکی است می‌باشد، به نحوی که فقره‌های طویل دارد و پیرامون قصه‌ها و احکام شریعت و تنظیم درست و دعوت به رحمت و تسامح می‌چرخد.

مسلما حکمت در این همانا به خاطر این بود که ظروف دعوت در جوی چون مدینه مقتضی این بود که آیات مسائل فوق را بیان فرماید.

چه بعد از این که دعوت در شکل دولتی مستقر گردید و اصول عقیده در نزد بسیاری واضح شد، لابد که مطابق همان محیط موضوعات تبیین گردد.

مثال آیات مدنی فرموده‌ی خداوند تعالی است:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُۚ﴾ [البقرة: 282].

«ای مؤمنان! اگر معامله کنید با یکدیگر به وام‌دادن تا میعاد مقرر پس بنویسید آن را».

متشابهات در قرآن

از آنجائی که اراده‌ی خداوندی مقتضی این بود که کلام کریم ذات کبریایی برای بشر معجزه باشد و مخلوقات در برابر آن به عجز خویش اذعان ورزند، روی این اساس در قرآن کریم آیاتی دیده می‌شود که در جمله و کلماتش مشابه و همانند دیگر آیات می‌باشد. مثل فرموده‌ی خداوند تعالی در سوره‌ی بقره آیه‌ی 58:

﴿وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا وَقُولُواْ حِطَّةٞ﴾.

و فرموده‌ی خداوند در سوره‌ی اعراف آیه‌ی 161:

﴿وَقُولُواْ حِطَّةٞ وَٱدۡخُلُواْ ٱلۡبَابَ سُجَّدٗا﴾.

و فرموده‌ی خداوند أ در سوره‌ی بقره آیه‌ی 120 و سوره‌ی انعام آیه‌ی 71:

﴿قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰۖ﴾.

و فرموده‌ی آن در سوره‌ی آل عمران آیه‌ی 73:

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ﴾.

و فرموده‌ی خداوند در سوره‌ی بقره:

﴿هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنٗا﴾.

و در سوره‌ی ابراهیم:

﴿هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا﴾.

و فرموده‌ی‌ خداوند در سوره‌ی کهف:

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِ‍َٔايَٰتِ رَبِّهِۦ فَأَعۡرَضَ عَنۡهَا﴾.

و در سوره سجده:

﴿ثُمَّ أَعۡرَضَ عَنۡهَآۚ﴾.

و فرموده خداوند در سورۀ آل عمران:

﴿قَالَتۡ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٞ﴾.

و در سوره‌ی مریم:

﴿قَالَتۡ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٞ﴾.

هرچند که اینگونه آیات در کلام الله مجید در صورتی که از حفظ خوانده شود بر قاری صعوبت و دشواری خلق خواهد نمود، اما نباید از یاد برد که وجود اینگونه آیات کریمه‌ی هم‌مثل (ولی با تفاوت کم، در تقدیم و تأخیر برخی کلمات) است که قاری را ناگزیر می‌سازد که همه وقت از تلاوت قرآن غافل نشده و آنچه را که حفظ نموده کراراً گردان نماید.

از همینجا است که برخی حفاظ گویند:

«لولا المتشابهات في القرآن لتغنى به الصبيان».

و من الله التوفیق

پایان

﴿فَمَن يُرِدِ ٱللَّهُ أَن يَهۡدِيَهُۥ يَشۡرَحۡ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِۖ وَمَن يُرِدۡ أَن يُضِلَّهُۥ يَجۡعَلۡ صَدۡرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجٗا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِۚ﴾ [الأنعام: 125].

1. - من روائع القرآن – دکتر محمد سعید رمضان البوطی. [↑](#footnote-ref-1)
2. - مسلمین در بازگشت به قرآن – اثر دیگر نگارنده. [↑](#footnote-ref-2)
3. - معجزة القرآن – محمد متوالی الشعراوی. [↑](#footnote-ref-3)
4. - ﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ٤﴾ [النجم: 3-4]. [↑](#footnote-ref-4)
5. - «الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ، وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ يَتَتَعْتَعُ فِيهِ، وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ، فَلَهُ أَجْرَانِ» صحیح بخاری و صحیح مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی از حدیث عائشه ل روایت نموده‌اند مفهوم حدیث اینست که برای وی یکی پاداش تلاوت و دیگر پاداش مجاهدت در طلب آموختن است. [↑](#footnote-ref-5)
6. - بعضی علماء می‌گویند که وضوء بر قاری قرآن واجب است به دلیل این که خداوند فرموده: ﴿لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ٧٩﴾ [الواقعة: 79] و فرموده‌ی پیامبر اسلام ج: «لَا يَمَسُّ الْقُرْآنَ إِلَّا طَاهِرٌ» و دلایل زیادی در این باره است. [↑](#footnote-ref-6)
7. - مانند تفسیر طبری، تفسیر ابن کثیر، زاد المسیر فی علم التفسیر «فی ظلال القرآن» و در زبان‌های اردو و فارسی تفهیم القرآن و تفسیر کابلی از تفاسیر معتبر است. [↑](#footnote-ref-7)
8. - لازم است که در این که می‌گوییم «مصحف عثمان» و یا «به خط حافظ عثمان» فرقی و تفکیک قایل شویم. چون اولی منسوب به خلیفه حضرت عثمان بن عفان است و شخص دومی خطاط ترکی است.

   و همینطور لازم است که میان «ابوحفص» که عمر بن خطاب است و قرائت «حفص» که یکی از علماء قرائت است و از زمره‌ی تابعین بوده است و در سال 246 وفات یافته است فرق قائل شویم. [↑](#footnote-ref-8)
9. - صحیح مسلم، حدیث از ابی هریره روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-9)
10. - حدیث متفق علیه که حضرت عایشه راوی آن است. [↑](#footnote-ref-10)
11. - حدیث صحیح است که ترمذی از حدیث ابن مسعود روایت کرده و گفته است: حدیث حسن صحیح. [↑](#footnote-ref-11)
12. - احمد و ابوداود و ترمذی از حدیث عبدالله بن عمرو روایت کرده و اسناد حدیث حسن است. [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحیح مسلم، حدیث از حضرت عمر س آورده است. [↑](#footnote-ref-13)
14. - صحیح مسلم از حدیث ابی امامه الباهلی س روایت نموده است. [↑](#footnote-ref-14)
15. - در سند این حدیث اختلاف است. [↑](#footnote-ref-15)
16. - میان همزه و الف فرق و تفاوت است.

    همزه قبول حرکت می‌کند ولی الف همیشه ساکن است و به تنهایی ادا نمی‌شود به همین سبب بعضی الف را در شمار حروف هجاء نمی‌دانند. مترجم [↑](#footnote-ref-16)
17. - البته این کشش تقریبی و تقدیری است و این قاری است که حسب وقت قرائت سریعا حرکات را به جا می‌آورد، یا آهسته حرکات را می‌کشد. [↑](#footnote-ref-17)
18. - و هرگاه تجوید بر شنیدن اعتماد می‌شوند نه بر املاء، روی این اساس حرف مشدد به دو حرف اول از آن‌ها ساکن اعتبار داده می‌شود و حرف دومی همانطور حسب تشکیل شده تلفظ می‌گردد. [↑](#footnote-ref-18)
19. - بین قراء کشتن صوت به شرح زیر است:

    ابوعمرو دو الف، ابن عامر وکسائی به اندازه‌ی 3 الف، عاصم 4 الف، و ابن کثیر و نافع تا هفت الف. (مترجم) [↑](#footnote-ref-19)
20. - چنانچه در وقتی که انسان با خود قرائت می‌نماید مد عارض به سکون دو حرکت (کشش) ‌داشته باشد و در نوارهای قرآن که به سبک ترتیل ثبت شده است به اندازه‌ی چهار حرکت (کشش) می‌یابد و در وقتی که از رادیوها پخش می‌گردد به شش حرکت (کشش) هم می‌رسد. [↑](#footnote-ref-20)
21. - در اینجا فروعات دیگری به احکام مد است که ضروری به ذکر آن در این رساله دیده نمی‌شود. [↑](#footnote-ref-21)
22. - تنوین شامل این باب است، زیرا که تنوین در وقف نطق نون ساکنه است. [↑](#footnote-ref-22)
23. - همـزَّ فهـاءٌثم عـين حـاء

    مهملتـان(\*) ثم غـين خاء

    (\*) مهمله حروفی را گویند که نقطه ندارند. [↑](#footnote-ref-23)
24. - و البته این بعد از قلب نون حرف مماثل به مابعدش است، هرگاه حروف غیر از نون از حروف مذکوره باشد یعنی هرگاه بعد نون «نون» باشد ادغام در نون می‌شود. [↑](#footnote-ref-24)
25. - ادغام با راء و لام بدون غنه می‌باشد و با چهار حرف باقی با غنه می‌باشد –

    و غنه عبارت از: آوازی است که با نطق از بینی بیرون می‌شود. [↑](#footnote-ref-25)
26. - ملاحظه فرمایید به وصل آیات تا به خوبی برایتان ظاهر گردد و آنچه که در آیات از احکام تجوید است. [↑](#footnote-ref-26)
27. - تفخیم می‌شود همچنین در یک عده حروفی که قبل آن مکسور است مثل: من کل امرٍ [↑](#footnote-ref-27)
28. - مسلما که در ادغام، حرف اولی حرف مایل به دومی بدل می‌گردد. [↑](#footnote-ref-28)
29. - و همینطور است حدیث شریف و آذان. [↑](#footnote-ref-29)
30. - این آیه‌ی مبارکه پس از فرموده‌ی خداوند تعالی در سوره‌ی یوسف است که می‌فرماید:

    ﴿وَجَآءَ إِخۡوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيۡهِ فَعَرَفَهُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ مُنكِرُونَ٥٨﴾ [يوسف: 58]. [↑](#footnote-ref-30)
31. - برخی علماء بر این عقیده‌اند که مطلقا در وقف بر رئوس آیات کراهیت نیست، چنانچه که در مصحف ترسیم شده است، زیرا که رسول خدا بر رئوس آیات وقف فرموده‌اند. [↑](#footnote-ref-31)
32. - به این مفهوم که یک طرف زبان میان دندان‌های پیش دهان نهاده شود. [↑](#footnote-ref-32)